

در این ویژه نامه

**جنبش کارگری و کمونیستی ایران
در گذارتاریخی پرنشیب و وفراز**

در صفحات ۵ و ۶

صفحاتی از جنبش جهانی طبقه کارگر

در صفحه ۷

**تشکل های مستقل صنفی کارگران
وزحمتکشان «سندیکا»**

در صفحه ۸

ویژه نامه کارگری

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

ویژه نامه شماره ۵۵۶، دوره هشتم سال پانزدهم، ۷ اردیبهشت ۱۳۷۸

نگاهی به تجربه یکساله مبارزات کارگران وزحمتکشان

تجربه یک سال گذشته مبارزه طبقه کارگرو دیگر زحمتکشان میهن ما، در برگیرنده نکات ارزشمندی است که می باید به دقت مورد بررسی قرار گرفته و در بیکار حال و آینده از آن به نحو مطلوب استفاده کرد. جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما، با وجود دشواری های بزرگ وضعف های جدی، سال گذشته را با گام های استواری طی کرد. این جنبش با چنان نیرو و توانی خود را مطرح ساخت که هراس و نگرانی سران جمهوری اسلامی را برانگیخت. نگاهی گذرا به این تجربیات، از آن روحانراهمیت است که حاوی درس های پرارزشی برای مبارزه در شرایط کنونی است.

جنبش کارگری - سندیکایی، پیشناز جنبش سراسری مردم:

نخستین و مهم ترین ویژگی این جنبش درسالی که سپری شد، نقش و جایگاه آن در مبارزات سراسری مردم در راه نفی و طرد رژیم ولایت فقیه است. به بیان روشن تر، مبارزات کارگران وزحمتکشان ایران، با وجود آنکه جنبه های صنفی - اقتصادی برجسته ثی داشته و دارد، بر رغم آنکه در سال گذشته با توجه به بحران ژرف اقتصادی عمدتاً در حالت تدافعی قرار گرفت، مهم ترین، قاطع ترین و پرتوان ترین بخش جنبش سراسری و دموکراتیک مردم ایران بود. جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما، نیروی اساسی در مبارزات مردمی محسوب می گردد. مبارزه کارگران وزحمتکشان، با آنکه بیشتر بر محور خواست های صنفی دور زده است، در ماهیت و جوهره خود مبارزه ثی واقعا سیاسی با محتوای طبقاتی شفاف است. در سال گذشته، در بسیاری از حرکات اعتراضی برای دست یابی به خواست های صنفی - اقتصادی، مضمون سیاسی این جنبش نیز کاملاً هویدا بود. بخش مهمی از مبارزه بر ضد، سیاست خصوصی سازی و ایجاد امنیت برای سرمایه خارجی و جز آن، مبارزه ثی مستقیم و سیاسی بر ضد رژیم ولایت فقیه از سوی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بوده است.

بحران اقتصادی و تأثیر آن بر مبارزات کارگری:

در سال گذشته، بحران ژرف اقتصادی سراپای جامعه ما را در هم نوردید. ابعاد این بحران چنان گسترده بود که وزیر کار جمهوری اسلامی، زبان به اعتراف گشود و گفت، کارگران قربانی بحران اقتصادی شده اند. بحران مزبور، تأثیرات معینی بر جنبش کارگری - سندیکایی باقی می گذارد. تدافعی شدن مبارزات کارگری طی یک دوره موقت، از جمله این تأثیرات بود. در شرایط بحران و عدم امنیت شغلی، خواست پرداخت بومق دستمزدها و جلوگیری از اخراج، جای خواست هایی مانند: افزایش سطح دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم، اجرای

ادامه در صفحه ۴ و ۵

یک سال با پیکار کارگران و زحمتکشان برای دست یابی به حقوق صنفی، آزادی و عدالت اجتماعی

سال ۱۳۷۷، سالی پر بار و پر دست آورد برای جنبش کارگری میهن ما بود. در سال ۱۳۷۷، در سنگر های نبرد ده ها اعتصاب، تحصن، اعتراض، طومار نویسی، مسدود کردن جاده ها و ده ها ابتکار جالب دیگر مبارزاتی، نخستین جوانه های ارتقاء کیفی مبارزات صنفی کارگران به مبارزات سیاسی نیز هویدا شد، و در یک حرکت جالب، کارگران کاشان با اعتراض یکپارچه خود بر ضد واگذاری بیمارستان بهشتی به بخش خصوصی، توانستند مسئولان شهر را وادار به عقب نشینی و قبول خواست هایشان کنند. سال ۱۳۷۷ از نظر شمار حرکت های کارگری، یکی از پرتحرک ترین سال ها در دوران بیست ساله حکومت جمهوری اسلامی بوده است، که ما در زیر مروری بر آن می کنیم:

● فروردین، اردیبهشت، خرداد

اوایل فروردین ماه، کارگران دو کارخانه در بهشهر، در استان مازندران، دست به اعتصاب زدند. روزنامه کار و کارگر در گزارشی با عنوان «اعتراض از کارخانه تا کنار جاده»، خبر اعتصاب و راه پیمایی کارگران چیت سازی بهشهر را منعکس ساخت. کارگران چیت سازی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و نیز اخراج گروهی از کارگران توسط بخش خصوصی و بنیاد مستضعفان، اعتصاب برنامه ریزی شده ای را برپا کردند. کارگران ضمن تعطیلی کارخانه و تولید، به راه پیمایی پرداختند و جاده اصلی ساری - گرگان را برای چند ساعت مسدود ساختند. کارگران مبارز کارخانه نئوپان بهشهر نیز در اعتراض به عدم پرداخت بومق دستمزدها، پایین بودن سطح دستمزدها و نیز خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، دست از کار کشیده و در همبستگی با کارگران چیت سازی، در محوطه کارخانه گرد آمدند. کارگران معترض کارخانه نئوپان اعلام کرده اند که، اگر بسرعت به خواست های آنها پاسخ داده نشود، ضمن اعتصاب و راه پیمایی، مانند کارگران چیت سازی، جاده های اصلی شهر را مسدود خواهند کرد. از جمله حرکت های مهم کارگری در فروردین ماه، اعتصاب سازمان یافته کارگران ذوب فلزات یزد بود که بازتابی گسترده در جامعه یافت. روزنامه «ایران»، چاپ تهران، در گزارشی از این حرکت کارگران نوشت: «کارگران کارخانه ذوب فلزات یزد به علت عدم دریافت بومق حقوق و مزایا اعتصاب کردند. این کارگران بیش از ۲ ماه است حقوق نگرفته اند.» کارگران اعتصابی ذوب فلزات یزد تهدید کردند که، در صورت لزوم در شهر یزد راه پیمایی خواهند کرد. کارگران کارخانه جوراب آسیا نیز، در اعتراض به مصوبه شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۱۸/۵ درصدی دستمزدها در سال ۱۳۷۷، متحداً اعتصاب کردند.

در اردیبهشت ماه، گروهی از کارگران پالایشگاه آبادان دست به اعتصاب زدند و در برابر فرمانداری شهر اجتماع کردند. علاوه بر گروهی از نفتگران پالایشگاه آبادان، کارگران و زحمتکشان بخش حمل و نقل در شرکت ملی گاز ایران، منطقه تهران، نیز در اواسط فروردین

ادامه در صفحه ۲ و ۳

فرخنده باد روز اول ماه مه، روز همبستگی رزمجویانه کارگران جهان!

ادامه یکسال با پیکار کارگران و زحمتکشان ...

ماه، در اعتراض به سطح پایین دستمزدها، دست از کار کشیدند. شرایط معیشتی رانندگان و زحمتکشان بخش حمل و نقل شرکت ملی گاز در منطقه تهران، فوق العاده اسفبار است. زحمتکشان این قسمت اعلام کرده اند که، تا بهبود وضعیت شغلی و افزایش دستمزدها اعتصاب خود را ادامه خواهند داد. کارگران دلیر شرکت پارسا رشت، نیز برای دومین بار طی ماه های اخیر اعتصاب کردند. این بار کارگران اعتصابی، همان گونه که در اعتصاب نخست تهدید کرده بودند، دست به راه پیمایی زدند و جاده رشت - فومن را مسدود ساختند. این اعتصاب و راه پیمایی با برخورد شدید سپاه پاسداران رو به رو شد. یگان های سرکوبگر سپاه، ابتدا کارگران را محاصره و سپس به آنها حمله کردند. ده ها کارگر به وسیله باتوم و ابزارهای ضد شورش زخمی شدند و بیش از ۱۰ کارگر بازداشت شدند. در استان گیلان، علاوه بر رشت، کارگران اعتصابی بندر انزلی نیز مورد پورش مزدوران سپاه پاسداران قرار گرفتند. در جریان درگیری، تعدادی از کارگران بسختی مجروح شدند و چند نفر از آنها به بیمارستان انتقال یافتند. ۳۰ تن از کارگران نیز به عنوان اخلال گر دستگیر شدند. در خیابان جی تهران نیز کارگران قهرمان کارخانه ریسندگی و بافندگی آذر، که متعلق به بخش خصوصی ست، در اواخر اردیبهشت ماه، اعتصاب یکپارچه ای را سازمان دادند. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت بقوق دستمزدها، افزایش سطح دستمزدها، مطابق با میزان تورم، از خواست های اصلی کارگران بود.

در شهرستان کاشان نیز، کارگران کارخانه فرش کاشان در برابر در کارخانه دست به تحصن زدند. کارگران ضمن تحصن، با امضاء طوماری خواستار بازگشایی کارخانه شدند، و تعطیلی آن را توطئه کارفرمایان قلمداد کردند. کارخانه پارس کمپرسور شیراز، که از مهم ترین واحدهای تولیدی استان فارس به شمار می آید، به دلیل مشکل مالی در معرض تعطیلی کامل قرار گرفته است. ارزش این کارخانه بیش از ۲۰ میلیارد تومان برآورد می شود. کارگران پارس کمپرسور اعلام کرده اند که، به اعتصاب نامحدود و راه پیمایی در جلو اداره کل کار شهر شیراز مبادرت خواهند ورزید. مدیریت کارخانه پارس کمپرسور اعلام کرده است که، با توجه به رکود تولید و تعطیلی کارخانه، کلیه کارگران آن اخراج خواهند شد. کارکنان گمرک بندرعباس نیز دست به حرکتی اعتراضی زدند. مشخص شدن وضعیت حقوق، از خواست های اصلی کارکنان گمرک بندرعباس است. روزنامه توس، به تاریخ ۱۹ مردادماه، گزارش داد که، کارگران معترض کارخانه چیت سازی بهشهر با به صدا در آوردن سوت کارخانه، دست از کار کشیدند. کارگران، رکود کنونی در تولید، که تعطیلی کارخانه را در پی خواهد داشت، و در نتیجه به اخراج دستجمعی آنان منجر خواهد شد، توطئه سرمایه داران اعلام کرده اند. کارگران قهرمان چیت سازی بهشهر قبلا نیز دست به اعتصاب زده بودند. در تاریخ ۲۶ مردادماه کارگران کارخانه آجرسازی سراب اصفهان نیز، با یک راه پیمایی که از سوی مردم شهر مورد پشتیبانی قرار گرفت، به عدم پرداخت دستمزدهایشان اعتراض کرده و در مقابل استانداری اصفهان تحصن کردند.

● تیر، مردان، شهرپور

در استان خوزستان، علاوه بر فنگران، کارکنان شرکت لوله سازی اهواز حرکت اعتراضی قابل تحسینی را سازمان دادند. روزنامه جامعه، به تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۷۷، در این باره نوشت: «بیش از ۴۰۰ تن از کارکنان کارخانه لوله سازی اهواز دست به اعتراض زده اند.» خواست اصلی کارکنان لوله سازی، انعقاد پیمان دستجمعی و استخدام رسمی ست. اغلب کارکنان این واحد تولیدی به صورت پیمانی و موقت به کار اشتغال دارند. برخی از آنها بیش از پنج سال است که پیمانی اند و همگی از مزایای استخدام رسمی محروم اند. استاندار خوزستان و امام جمعه اهواز، کارکنان اعتصابی را تهدید به اخراج و بازداشت کردند. حرکت کارکنان لوله سازی اهواز، به دلیل سازماندهی و انسجام آن، نمونه وار است. روزنامه کیهان گزارش داد که، گروهی از کارگران شهرداری منطقه ۱۲ تهران دست به اعتصاب زده اند. به نوشته این روزنامه، رفنگران منطقه ۱۲ شهرداری تهران، به علت نپرداختن دستمزدهایشان از سوی پیمانکار مربوطه، دست از کار کشیدند. وضعیت رفنگران شهرداری فوق العاده اسف بار است. یکی از کارگران اعتصابی به خبرنگار کیهان گفته است: «برای تهیه مایحتاج روزانه شناسنامه و کوبین خواربار را گرو گذاشته ام. ما با این وضعیت چه کنیم. گرسنه هستیم.» کارگران کارخانه نساجی پارس شهرستان سمنان نیز، با برپایی یک حرکت اعتراضی در برابر محل فرمانداری سمنان، متحصن شدند و به توطئه تعطیلی کارخانه توسط کارفرما، اعتراض کردند. روزنامه کار و کارگر نوشت: «کارگران بشدت به طرح انحلال کارخانه که از سوی هیات مدیره ارائه شده معترض هستند. کارگران کارخانه پارس سمنان پیش از چهارماه است که حقوقی دریافت نکرده اند و به همین دلیل خانواده های آن ها با مشکلات دردناکی دست به گریبان هستند.» کارگران شرکت لامپ سازی رشت، با سازماندهی اعتصابی برنامه ریزی شده، به خطر تعطیل کارخانه و اخراج کارگران و همچنین عدم

پرداخت بقوق دستمزدها، اعتراض کردند. کارگران لامپ سازی، در برابر ساختمان استانداری گیلان در رشت تجمع کرده و خواستار پاسخ مسئولان به پرسش هایشان شدند. اعتصاب دیگری هم از سوی کارگران کارخانه گچ تهران برپا شد که محور عمده آن جلوگیری از اخراج ها، و پرداخت بقوق دستمزدها بود. کارگران کارخانه فرش اکباتان شهر قزوین، با اعتراض به وضعیت خود، یعنی عدم دریافت بیش از پنج ماه حقوق، در مقابل دفتر نماینده ولی فقیه در شهر قزوین، تجمع کردند. اعتراض اصلی، طرح اخراج دستجمعی آنان بود. در استان سیستان و بلوچستان، کارگران مراکز تولیدی بافت بلوچ، خودکارسازی و شامپو سازی، علاوه کارگران نیروگاه بخار استان مذکور، دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند. بیش از چند ماه است که دستمزد کارگران این واحدها پرداخت نشده است. در کارخانه آرامش شهرستان یزد نیز، کارگران بیش از سه ماه است که حقوق نگرفته اند. کارگران معترض در محوطه کارخانه تحصن کردند. یکی از مهم ترین حرکت های اعتراضی چند ماه اخیر، اعتصاب و راه پیمایی کارگران شرکت صنایع چوبی ایران بود، که با راه پیمایی در بلوار کشاورز تهران، خواستار رسیدگی به وضعیت خود از جمله حقوق های معوقه شان شدند. در اوایل شهریور ماه سال جاری، حدود هزار و دویست کارگر پیمانی پالایشگاه آبادان، که در طرح های گوناگون مشغول به کاراند، در اعتراض به واگذاری این طرح ها به بخش خصوصی، که بیکاری آن ها را به دنبال خواهد داشت، دست به اعتصاب زدند. کارگران پیمانی این پالایشگاه، چند ماه پیش نیز نسبت به طرح اخراج خود، اعتراض کرده بودند. بخش خصوصی اعلام کرده است که، برای کاهش هزینه ها و تولید بهتر، کارگران پیمانی پالایشگاه اخراج خواهند شد. علاوه بر این، گروهی از زنان کارگر اخراج شده از کارخانه های تحت پوشش «جامعه صادق» شهر مشهد نیز، که وضعیتی مشابه با کارگران پیمانی پالایشگاه آبادان دارند، با تجمع در برابر ساختمان اداره کل کار استان خراسان، خواستار جلوگیری از اخراج ها و بازگشت خود به محل کارشان شدند. روزنامه کار و کارگر، به تاریخ ۷ شهریور ماه، نوشت: «...اکثر کارگران [زن] اخراجی، دارای سوابق مستمر کاری هستند و به واسطه قراردادهای غیرقانونی اخراج شده اند...»

● مهر، آبان، آذر

کارگران دو کارخانه در شهر رشت، در اوایل مهرماه، دست به اعتصاب و راه پیمایی زدند. کارگران شرکت تولیدی ایران جیکا واقع در رشت، که عمده کارگران آن را زنان تشکیل می دهند، بیش از پنج ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. روزنامه کیهان، به تاریخ ۹ مهرماه، نوشت: «کارگران شرکت تولیدی ایران جیکا که اغلب زن هستند در اعتراض به وضعیت زندگی خود در برابر استانداری گیلان به راه پیمایی پرداختند.» در شرکت الکترونیک رشت نیز کارگران با اعلام اعتصاب، خواستار پرداخت دستمزدهای عقب افتاده خود شده اند. معدن کاران مبارز معدن ذغال سنگ جیرنده قزوین، در اوایل مهرماه، یک اعتصاب متحد و متشکل را سازمان دادند. علاوه بر اینها، در اوایل مهرماه، فنگران منطقه کبودکوه در آبدانان استان ایلام، که تحت پوشش شرکت ملی نفت ایران منطقه اهواز اداره می شود، در اعتراض به خطر اخراج، و نیز عدم دریافت دستمزدهای خود، اعتصاب کردند. رانندگان شرکت نفت در شهر زنجان نیز، در روز چهارشنبه اول مهرماه، در ارتباط با قراردادهای خود و عدم پرداخت حقوق در موقع مقرر، دست به اعتراض زده، و طی نامه ئی خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. رانندگان شرکت نفت به اعتصابی نامحدود در شهر زنجان تهدید کرده اند. به علاوه، در شهر زنجان با تعطیلی کارخانه نورد مس، تمامی کارگران آن به صف بیکاران پیوسته اند. به کارگران بیکار کم ترین بولی پرداخت نگردید. جمعی از کارگران شرکت آرامش یزد پس از چند ماه کار بدون دستمزد، در آذرماه با اجتماع در مقابل استانداری، خواهان حقوق معوقه خود شدند. بر اساس گزارش های رسیده، مدیریت این شرکت خصوصی با قطع مزایا و به تعویق انداختن پرداخت دستمزد ها، در صدد اخراج کارگران قدیمی و به کارگیری کارگران جدید در قالب قراردادهای موقت بوده است. مدیریت این واحد تولیدی، برای اجرای طرح های ضد کاری خود، از سال گذشته این شرکت را به صورت نیمه تعطیل درآورده است. بیش از دو هزار و پانصد نفر از کارگران کارخانه نساجی قائم شهر نیز دست به اعتصاب زدند. در این ماه ها، ما همچنین شاهد اعتراض های وسیع کارگران استان خراسان بودیم. تعداد مراکز صنعتی و کارگاه هایی که در استان خراسان با مشکلات روزافزون مالی روبرو اند در حال افزایش است. شرکت صنعتی لامپ، تولید کننده لوازم اتومبیل، از جمله شرکت هایی ست که دستمزد کارکنان و کارگران خود را از شهریور ماه تاکنون، به رغم اعتراضات آنان، پرداخت نکرده است.

● دی، بهمن، اسفند

یکی از مهم ترین حرکت های کارگری اخیر، مبارزات کارگران کاشان و پیروزی های چشمگیری آنان است. بر اساس گزارش روزنامه «کار و کارگر»، ۱۴ دی ماه، به دنبال انتشار خبر واگذاری بیمارستان ۴۰۰ تختخوابی «شهید بهشتی» کاشان، متعلق به تامین اجتماعی، هزاران تن از کارگران و کارکنان بازنشسته کاشانی،

ادامه يك سال با پیکار کارگران و زحمتکشان

در اعتراض به این اقدام سازمان تامین اجتماعی، در محل بیمارستان تحصن کرده، و مانع از ادامه کار بازرسان این سازمان و وزارت بهداشت شدند. با وجود وعده های مکرر مسئولان کاشان مبنی بر جلوگیری از واگذاری این بیمارستان، هزاران کارگر بیمه شده همچنان با تعطیل کار خود و اجتماع در مقابل دفاتر مسئولان کاشان، خواهان تجدید نظر مسئولان تامین اجتماعی در اجرای تصمیمات خود شدند. این اعتراضات چندین روزی در پی ادامه داشت. «کار و کارگر» در این باره با نگرانی نوشت: «اعتراض هزاران بیمه شده کاشانی نسبت به واگذاری بیمارستان ۴۰۰ تختخوابی شهید بهشتی این شهرستان که از سه شنبه هفته گذشته آغاز شده است همچنان ادامه دارد. گزارش رسیده از کاشان حاکیست که جمع کثیری از کارگران کاشانی دیروز با تعطیلی و ترک محل کار خود در مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان اجتماع کرده و مراتب اعتراض و انتقاد شدید خود را به واگذاری این بیمارستان اعلام نمودند.» اجتماع کنندگان با شعارهای «فروش بیمارستان خیانت است به کاشان» ضمن اعتراض به واگذاری این بیمارستان، خواستار تجدید نظر مسئولان تامین اجتماعی در تصمیم خود شدند. در یکی از روزهای این اعتراض کارگری در کاشان، حدود ۱۵۰۰ تن از کارگران دست به تجمع در مقابل فرمانداری این شهرستان زدند. حری، فرماندار شهرستان کاشان، قصد سخن رانی و قرائت اطلاعیه ای را داشت که کارگران حاضر نشدند سخنان او را بشنوند، و به این ترتیب فرماندار محل را ترک کرد. همچنین، کارگران تهدید کرده بودند که، در صورتی که نماینده کاشان برای پاسخگویی در جمع آنان حاضر نشود، در مقابل منزل یشری، نماینده «ولی فقیه» و امام جمعه کاشان، اجتماع خواهند کرد. سرانجام با بالاگرفتن اعتراض های کارگری و خطر اشغال شهر توسط کارگران، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی با ارسال نامه ای خطاب به فرماندار کاشان اعلام کرد که، طرح واگذاری بیمارستان شهید بهشتی کاشان متوقف شده است. امام جمعه کاشان نیز در مراسم نماز جمعه این شهر با اشاره به این موضوع گفت که: بدون جلب رضایت کارگران کاشانی، بیمارستان شهید بهشتی این شهرستان به هیچ کس واگذار نخواهد شد. پیروزی بزرگ کارگران و زحمتکشان کاشانی نشان داد که مبارزه مشترک و سازمان یافته می تواند هر سدی را از مقابل راه آنان بردارد. خبر این پیروزی، در سراسر کشور و خصوصاً محافل کارگری کشور بازتاب وسیعی یافت.

در بهمن ماه، جمعی از کارگران شرکت نخکار، بانجم در مقابل وزارت کار و امور اجتماعی، خواستار پرداخت حقوق و مزایای خود از سوی مدیریت شدند. به گفته یکی از کارگران معترض، کارگران این واحد یک سال است که حقوق دریافت نکرده اند. یکی دیگر از کارگران گفت: ۹۷ درصد کارگران نخکار به لحاظ معیشتی بادشواری های فراوانی رو به رو اند. بر اساس گزارش روزنامه «کار و کارگر»، سه شنبه ۲۷ بهمن، کارگران کارخانه نازیوش بندرانزلی، به دلیل عدم دریافت حقوق و مزایای ۱۴ ماهه گذشته، از مسئولان خواستار رسیدگی به این مشکلات شدند. این کارگران اظهار داشتند: روزیکشنبه در محل این کارخانه بامدیرکل کار و امور اجتماعی استان گیلان جلسه داشتند، ولی نتیجه ای در بر نداشت. کارگران شرکت کیان چرخ در شهرستان خرم دره، با اجتماع در خانه کارگر، ضمن اعتراض به وضعیت موجود خود، خواستار رسیدگی مسئولین امر به مشکلات کارگران این واحد شده اند. کارگران طی نامه ای نوشته اند: همیشه عادت کرده بودیم که حقوق خود را بادوماه تاخیر دریافت کنیم و این بار چهارماه است که یک ریال حقوق پرداخت نکرده اند و شوکت این که این شرکت با بحران رو به رو نمی باشد و حتی محصولاتش صادر می شود، اما این کارگران اند که باید زجر بکشند.

جنبش کارگری، سالی پر حادثه را پشت سر گذاشت. سال ۱۳۷۷ سال تشدید و اوج گیری مبارزه طبقه کارگر ایران، و در عین حال، سال تشدید فشارهای کمر شکن اقتصادی - اجتماعی بر کارگران و زحمتکشان میهن ما بود. تجریبات مثبت سالی که گذشت، خصوصاً حرکت پیروزمند کارگران کاشان، توشه گرانبهایی است که جنبش کارگری بی شک از آن در سال ۱۳۷۸ بهره خواهد جست.

ادامه صفحاتی از جنبش جهانی طبقه کارگر ...

المللی «کارگران» تمامی جهان شمرده شود. در سال ۱۸۹۰، کارگران انگلستان، فرانسه، آلمان و سایر کشورها، برای اولین بار، تظاهرات اول ماه مه را سازمان دادند.

انترناسیونال دوم

انترناسیونال دوم همچون جامعه بین المللی احزاب سوسیالیست، در ۱۸۸۹ طی کنگره ای در پاریس، تاسیس شد، که احزاب کارگری تقریباً همه کشورهای اروپایی، ایالات متحده آمریکا و آرژانتین در آن شرکت جستند. طی مدت شش سال اول، فعالیت های این سازمان توسط فردریک انگلس رهبری می شد، و بر شالوده تعالیم مارکسیستی قرار داشت. در این مدت انترناسیونال دوم به گسترش اندیشه های سوسیالیسم علمی، و تحکیم احزاب کارگری کمک شایسته ای کرد، و این احزاب به تدریج به نیروی سیاسی مهمی در اغلب کشورهای اروپایی مبدل شدند. پس از درگذشت انگلس، بتدریج رهبری انترناسیونال دوم به دست اپورتونیست ها افتاد، که موجب نفوذ اندیشه ها و اسلوب بورژوازی درون جنبش کارگری شدند. ولی در داخل انترناسیونال دوم برخی احزاب یا شعباتی از احزاب، نظیر حزب بلشویک روسیه به رهبری لنین، انقلابیون آلمان به رهبری کارل لیبکنشت، حزب سوسیالیست چپ بلغارستان به رهبری بلاگوف و جز آن، به آموزش انقلابی مارکسیسم وفادار ماندند و بشدت با روش تسلیم گرایانه و تجدید نظر طلبانه و رفورمیستی رهبران اپورتونیست این سازمان مبارزه کردند. اکثر رهبران انترناسیونال دوم، پس از شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴، به سرایش مواضع بورژوازی کشور های خود در غلطیدند، و اصول همبستگی پرولتری و انترناسیونالیسم کارگری را بکلی ترک کردند. در این دوران، حرکت های انقلابی بتدریج از غرب به شرق کشیده می شد. یکی از بزرگ ترین این حرکت ها انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بود یعنی، یکی از تحولات و تجربه های عظیم جنبش کارگری در جهان که در روند پیروزی انقلاب کبیر اکتر تاثیر بسزایی داشت. در این مورد لنین، در کتاب بیماری کودکی «چپ روی» در کمونیسم، می نویسد: «انقلاب بورژوازی سال ۱۹۰۵ روسیه یکی از تحولات فوق العاده خودویژه تاریخی جهان را هویدا ساخت؛ در یکی از عقب مانده ترین کشورهای سرمایه داری، جنبش اعتصابی برای نخستین بار در جهان به وسعت و قدرت بی نظیری رسید. تنها در نخستین ماه سال ۱۹۰۵، عده اعتصاب کنندگان ده بار بیش از عده متوسط سالانه اعتصاب کنندگان در ده سال قبل از آن (۱۸۹۵-۱۹۰۴) بود، و از ژانویه تا اکتبر سال ۱۹۰۵، اعتصابات پیاپی به میزان عظیمی فزونی می یافت.»

انقلاب کبیر اکتر

این انقلاب در ماه اکتبر ۱۹۱۷، پس از تدارکات عظیم و مبارزه ای طولانی، و تحت رهبری حزب بلشویک روسیه بارور شد. در ماه سپتامبر، لنین شرایط را برای قیام مسلحانه مناسب تشخیص داد، و در هفتم اکتبر لنین مخفیانه وارد مسکو شد تا رهبری قیام را مستقیماً در دست بگیرد. در دهم اکتبر، جلسه تاریخی کمیته مرکزی قیام مسلحانه را تصویب کرد. دوازدهم اکتبر کمیته نظامی انقلاب به ریاست لنین تشکیل شد، که به ستاد قیام مبدل شد. صبح روز ۲۴ اکتبر حمله دولت موقت به مراکز بلشویک ها شروع شد. گاردهای سرخ و سربازان انقلابی و کارگران مسلح حمله را دفع کردند و قیام مسلح آغاز شد. روز ۲۵ اکتبر تمام مراکز مهم ارتباطی و دولتی پایتخت به تصرف نیروهای انقلابی در آمد. در ۲۵ اکتبر (مطابق با تقویم جدید هفتم نوامبر) کنگره دوم شوراهای روسیه افتتاح شد و حکومت شوراهای اعلام کرد، و نخستین دولت شوروی به نام کمیسرهای خلق به ریاست لنین تشکیل شد. انقلاب اکتبر، برای اولین بار در تاریخ، قدرت استثمارگران را سرنگون ساخت و شالوده ایجاد جامعه ای فارغ از استثمار و ستم را پی ریزی کرد. انقلاب اکتبر پیروزمند پرولتری است که تحولی بنیادی در تاریخ جامعه انسانی به وجود آورد و دنیایی جدید را به زحمتکشان جهان نوید داد. این انقلاب، مرحله ای ماهیتاً نو و از نظر کیفی بی سابقه در تاریخ بشری بوده است. اهمیت انقلاب اکتبر در اینست که در آن شکل جدیدی از استثمار (مانند انقلاب های اجتماعی دیگر) جایگزین شکل دیگری از استثمار نگردید، بلکه ناقوس نابودی هرگونه بهره کشی را به صدا در آورد. انقلاب اکتبر سر آغاز مبارزه دو سیستم اجتماعی متضاد، دوران انقلاب های سوسیالیستی و انقلاب های نجات بخش ملی و دوران پیوستن خلق های دیگری به راه سوسیالیسم بود.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و تولد دولت شوراهای در اتحاد شوروی، آزمون بشریت در بنای جامعه سوسیالیستی آغاز گردید. سوسیالیسم توانست در مدتی کوتاه فقر، گرسنگی، بیکاری، بیسوادی، بی خانمانی و عدم دسترسی به بهداشت و فرهنگ را در بخش بزرگی از جهان مارشک کن سازد. جامعه شوروی در پی انقلاب اکتبر، در مسیر رشد اقتصاد و صنعت گام های عظیمی را برداشت، و در مدت زمانی کمتر از سه دهه، توانست از یک کشور عقب مانده سرمایه داری به یک کشور پیشرفته صنعتی، در سطح جهان، و به دومین قدرت اقتصادی پس از ایالات متحده آمریکا، بدل شود. توده های وسیع زحمتکش در این کشورها، از حق کار، حق مسکن، حق بهداشت، آموزش رایگان، بیمه های اجتماعی و حق استفاده عمومی از خدمات گوناگون فرهنگی و هنری بهره مند شدند. از جهتی دیگر، تاثیر این انقلاب به سبب آن است که توانست به جنبش های رهایی بخش ملی در جهان نیروی تازه ای بخشد. در این مدت، بر اثر پشتیبانی مادی و معنوی کشور شوراهای، بسیاری از خلق های تحت سلطه جهان توانستند خود را از یوغ استثمار و استثمار و سرکوب امپریالیستی رها سازند. پس از پیروزی انقلاب اکتبر، زمینه های جدیدی برای رشد احزاب کمونیستی و گسترش فعالیت های مبارزاتی کارگران جهان پدید آمد. در ماه مارس ۱۹۱۹، نخستین کنگره انترناسیونال کمونیستی یا انترناسیونال سوم، که به کمینترن نیز معروف است، با حضور احزاب و گروه های ۳۰ کشور جهان و به رهبری لنین تشکیل شد. در این کنگره، برای اولین بار، احزاب انقلابی کشورهای شرقی و آسیایی نیز شرکت جستند. احزاب شرکت کننده، طبق سنت زمان مارکس و برای نشان

ادامه نگاهی به تجربیات یکساله ...

طرح طبقه بندی مشاغل، جلوگیری از خصوصی سازی و ایجاد تشکل های مستقل صنفی را گرفت. این حالت، به علت شرایط متحول سیاسی - اجتماعی داخل کشور، دیری نپایید و از اواسط دی ماه سال گذشته، همپا با گسترش دوباره مبارزات در محیط های کارگری، به پایان خود رسید، و مجدداً طرح صریح خواست های اساسی کارگران همانند: تشکل های مستقل صنفی و افزایش دستمزدها و جلوگیری از خصوصی سازی از سر گرفته شد. نمونه های بارز پیاپی دوران موقت دفاعی در جنبش کارگری اولاً در رشد گسترش مبارزات در صنایع کلیدی و استراتژیک مانند، صنایع نفت و گاز، توانیر، ماشین سازی و صنایع پولاد و ثانیاً در حرکت پرشکوه و یکپارچه کارگران و زحمت کشان کاشان در اعتراض به خصوصی سازی درمان و بهداشت و واگذاری بیمارستان های سازمان تامین اجتماعی تجلی یافت. برای پی بردن به واقعیت بحران توجه به پاره ثی از آمارهای منتشر شده ضروری است. روزنامه همشهری در تاریخ ۱۲ ذرمه سال گذشته نوشت: امسال نرخ بیکاری در کشور دست کم ۶ درصد افزایش یافته است. روزنامه کیهان در ۱ آبان ماه سال ۷۷ به نقل از یکی از نمایندگان گزارش داد: وضعیت بحرانی که امسال در بخش صنعت به وجود آمده است، باعث شده حدود ۴۰۰ کارخانه به دلایل مختلف از گردونه تولید خارج شوند... این شرایط در سال آینده (۱۳۷۸) بحرانی تر خواهد شد و جامعه کارگری راهم در بر خواهد گرفت.

منافع کارگران و عملکرد رژیم ولایت فقیه:

نمی توان صرفاً بحران اقتصادی را دلیل سقوط سطح زندگی زحمتکشان قلمداد کرد. در کنار بحران و اثرات آن، سیاست ها و عملکرد رژیم نقش بسیار مهمی در سقوط سطح زندگی کارگران و زحمتکشان دارد. در واقع عملکرد رژیم درست نقطه مقابل منافع و خواست کارگران است. حزب ماهواره، در ارزیابی از وضعیت موجود و شرایط ناگوار زندگی کارگران و خانواده آنها، تأکید کرده است که منشاء این نابسامانی را باید در سیاست های رژیم ولایت فقیه جستجو کرد. در سال گذشته دولت خاتمی، در عرصه اقتصادی نشان داد که تابع و پیرو همان سیاست های گذشته در دوران رفسنجانی است. سیاست تعدیل اقتصادی که برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان فاجعه بار بوده است، توسط دولت خاتمی، و این بار تحت عنوان «سامان دهی اقتصادی» و «ایجاد امنیت برای سرمایه» و «توسعه اقتصادی» در حال اجرا شدن است.

برنامه تعدیل اقتصادی که بوسیله صندوق بین المللی پول به رهبران رژیم دیکته شد، و توسط دولت رفسنجانی به مرحله اجرا درآمد، به شکل فاجعه آمیزی اقتصاد کشور، تولید ملی و منافع کارگران را درهم کوبید و روبرو نابودی کشانید. اثرات این برنامه، که هم اکنون از سوی دولت خاتمی پیگیری می شود، فوق العاده مخرب بوده است. روزنامه اخبار، ۱۲ بهمن ماه ۱۳۷۷، از قول یکی از مسئولان هیات مدیره کانون همبستگی شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران نوشت: از ابتدای سال ۱۳۷۰ (یعنی آغاز اجرای برنامه تعدیل اقتصادی) تا پایان سال گذشته (۱۳۷۶) اخراج ۳۰۰ هزار نفر از کارگران کارخانه های کشاورزی سازمان تشخیص ادارات کار و امور اجتماعی، مورد تأیید قرار گرفته است. دبیر کل خانه کارگری نطنز سخنانی در دانشگاه امام صادق در ۱۰ اسفند ۷۷ صراحتاً اعتراف می کند: ۴۰ درصد بودجه سال آینده کاذب است. تعهد بانک مرکزی برای صفر نمودن میزان تعهدات خارجی کشور در پایان برنامه دوم توسعه با سبیل تعهدی که قرار است، سال آینده برای آن تحمیل شود، وضع اقتصادی بدتر خواهد شد، معاملات اقتصادی به شیوه های فاینانس و بای بک و بوزانس ۷ میلیارد دلار تعهد راه رسال وارد می کند. ۵۴ درصد نیروی کار کشور بیش از میزان متعارف کار می کنند. بطور متوسط طی ۱۰ سال اخیر، سالانه ۴ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شده است. بخش خصوصی عامل تبدیل منابع ارزی و خروج پول از کشور است. شرکت های دولتی دچار فساد و تبانی شده اند، فقط پیمانکاران

بزرگ ضمن پرداخت رشوه های کلان، سودهای هنگفت می برند. میزان تقدینگی بخش خصوصی طی سال های اجرای برنامه تعدیل اقتصادی، سیر صعودی داشته است. برنامه تعدیل اقتصادی، فضای مناسب را برای بخش خصوصی که در امور تجاری، دلالی و واسطه گری فعال بود پدید آورد، و این بخش راه چرخه بیشتر تقویت کند. بخش خصوصی غیر مولد با کسب سودهای هنگفت، دارای حداقل ده هাজার میلیارد تقدینگی شده است. نگاه کنید به جدول شماره ۱

جدول میزان رشد تقدینگی بخش خصوصی (ارقام به میلیارد)

سال	کل تقدینگی	پول	شبه پول
۱۳۷۲	۴۸۱۳۵/۰	۲۲۴۱۲/۷	۲۵۷۲۲/۳
۱۳۷۳	۶۱۸۴۳/۹	۳۰۴۳۱/۸	۳۱۴۱۲/۲
۱۳۷۴	۸۵۰۷۲/۲	۴۰۹۶۷/۳	۴۴۱۰۴/۹
۱۳۷۵	۱۱۶۵۵۲/۶	۵۶۲۷۱/۹	۶۰۲۸۰/۷

در مقابل چنین رشدی، وضعیت کارگران و خانواده های آنان اسف بار است. بر پایه آمار رسمی، دستمزد واقعی کارگران، با توجه به افزایش هزینه ها و تورم از ابتدای انقلاب تا به امروز، بیش از ۵۸ درصد کاهش یافته است. در سال گذشته، شورای عالی کار با افزایش ۱۸/۵ درصدی دستمزدها موافقت کرد. این افزایش، مطابق با نرخ واقعی تورم نبود، و به سقوط بازهم بیشتر سطح زندگی کارگران و خانواده هایشان منجر شد. در سال گذشته، بنا به اعتراف مسئولان رژیم، حداقل دستمزد کارگران ۳۰ هزار و ۱۵۰ تومان بود، در حالی که خط بقاء (نامی که رژیم اختراع کرده) باید درآمدی معادل حداقل ۵۷ هزار و ۹۰۰ تومان باشد.

از آغاز سال ۱۳۷۷ تا پایان آن، حکم اخراج ۱۵۸۳۳ کارگر صادر شد. دولت خاتمی همچنان سیاست خصوصی سازی را دنبال کرد و به همین دلیل، امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان پایمال گردید. دولت خاتمی همگام با جناح رسالت، جناحی که شعار قانون گرایی راسمی دهد، خود در یک بی قانونی مطلق حقوق کارگران را نادیده گرفته و پایمال می کند.

امسال وزارت کار اعلام کرده است که حداقل دستمزد روزانه از ۱۰۵۱۰ ریال در سال ۱۳۷۷ خورشیدی به ۲۰۱۰۶۱ ریال افزایش به ۱۲۰۶۱ ریال در سال ۱۳۷۸ خورشیدی افزایش می یابد. همچنین اعلام شد که میزان کمک های غیر نقدی، بن کارگری، به ترتیب ۶۰۰۰ ریال و ۱۰۰۰۰ ریال برای کارگران مجرد و متاهل خواهد بود. نرخ پایه شغلی در سال جدید از ۱۵۰ ریال به ۲۱۰ ریال افزایش یافته است. نگاه کنید به جدول شماره دو:

تغییرات در میزان دستمزدها و بن کارگری

شرح	رقم به ریال - ۷۷	مبلغ افزایش به ریال	رقم جدید در سال ۷۸
حداقل مزد	۱۰۰۵۱	۲۰۱۰	۱۲۰۶۱ روزانه
نرخ پایه	۱۵۰	۶۰	۲۱۰ روزانه
مجرد	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۶۰۰۰ ماهانه
متاهل	۷۰۰۰	۳۰۰۰	۱۰۰۰۰ ماهانه

منبع: معاونت تنظیم روابط کار و وزارت کار و امور اجتماعی به نقل از کیهان

این افزایش ۲۰ درصدی با خواست کارگران و زحمتکشان فاصله بسیار دارد و به هیچ وجه مطابق نرخ واقعی تورم نیست، این تصمیم با مبارزه قاطع کارگران در سال کنونی روبرو خواهد شد، و کماکان یک عرصه مهم تقابل با رژیم کارگرسنیز باقی خواهد ماند

سیاست اصلاح قانون کار و علت آن:

در سال گذشته، یکی از مسائلی بسیار مطرح در محیط های کارگری، مساله تغییر و اصلاح قانون کار بود. کارگران و زحمتکشان در اعتراضات متعدد خود، با این سیاست مبارزه کردند. واقعیت این است که کارگران، خواستار تغییر این قانون و تدوین قانونی مترقی که تضمین کننده منافع آنان باشد اند، در مقابل رژیم ولایت فقیه - کلبه جناح های آن - طرح اصلاح قانون کار از موضع ارتجاعی و به سود سرمایه داران را عنوان کرده اند. در برنامه «سامان دهی اقتصادی» و «برنامه توسعه» تغییر جدی قانون کار در جهت خواست سرمایه داران مدنظر قرار گرفته و منظور شده است. به این ترتیب می توان گفت تغییر و اصلاح قانون کار از موضع ارتجاعی، و الفای آن در محیط های کارگری، جزء جدایی ناپذیر برنامه های اقتصادی رژیم ولایت فقیه به شمار می آید، و کلیه جناح ها بر سر آن توافق دارند. اصلاح قانون کار نیز بند فعلی به سود سرمایه داران، بخشی از برنامه درازمدت جمهوری اسلامی است که بر پایه آن باید به خصوصی سازی کامل مبادرت ورزید و «امنیت» سرمایه گذاری خارجی را تأمین کرد. «امنیت» به معنای در اختیار قراردادن نیروی کار از آن مطیع و شرایط سهل است. این امر البته مخصوص ایران نیست، آنچه در کشور ما بوسیله رژیم در حال اجرا است، بخشی از تحولات به شدت ارتجاعی در سطح جهان در سایه «همان سازی» است. رژیم به پیروی از دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی همانند می گوشت خود را با میاهای مورد علاقه و ضروری از برای انحصارات، منطبق سازد. یورش به حقوق و منافع صنفی - سیاسی طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان کشور توسط حاکمیت واپس مانده از این

جنبش کارگری و کمونیستی ایران در گذار تاریخی پر نشیب و فراز

نخستین جنبش های کارگری ایران در دوران انقلاب مشروطیت (۱۲۸۴-۱۲۹۶ شمسی، ۱۹۰۵-۱۹۱۱ میلادی) و تحت تاثیر گروهی از کارگران آگاه ایرانی که برای کار به روسیه و ماوراء قفقاز می رفتند، آغاز شد. این کارگران در روسیه با افکار سوسیال دمکراسی انقلابی روس آشنا می شدند و در جنبش های کارگری به رهبری بلشویک ها، شرکت می کردند. شرایط عینی اقتصادی- سیاسی، اجتماعی ایران، همچنین انقلاب دمکراتیک ۱۹۰۵ روسیه، در رشد این جنبش کارگری نقشی اساسی داشتند.

سازمان سوسیال دمکراسی انقلابی ایران (حزب اجتماعیون - عامیون) در سال ۱۲۸۳ شمسی (۱۹۰۴ م.) توسط جمعیت «همت» و یک سال پیش از انقلاب مشروطیت، در باکو شالوده ریزی شد. رهبری این تشکل را که در ارتباط با سوسیال دمکرات های باکو قرار داشت، نویسنده انقلابی، نریمان نریمانوف، آفریننده نمایشنامه های، کاوه آهنگر، نادر شاه افشار، آغامحمدخان قاجار، عهده دار بود. سازمان سوسیال دمکراسی ایران را که حیدر عمواغلی در تهران تشکیل داده بود، زیر نظر خود او اداره می شد. نشریه «مجاهد» ارگان این سازمان در تبریز انتشار می یافت. با کوشش این سازمان نخستین اتحادیه کارگری ایران در چاپخانه «کوچکی» در سال ۱۲۸۴، و نخستین اتحادیه های کارگران چاپخانه ها، در ۱۲۹۰ در تهران پایه گذاری شد و همزمان با آن، اتحادیه های کارگری نه تنها در تهران، بلکه در شهرهای مشهد، تبریز و بندرانزلی به وجود آمد. شعارهایی مانند: هشت ساعت کار، زمین برای دهقان، و جمهوری، به وسیله همین پیغامان مطرح شد.

نخستین جشن اول ماه مه در ایران

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷، اوج گیری جنبش ملی و ضد امپریالیستی در ایران، به ویژه در شمال کشور، نهضت های سندیکایی - کارگری، با توانایی های گسترده تر، دوباره، پس از انقلاب مشروطیت، سر برافراشت. با ایجاد شرایط نوین در ایران و جهان، سازمان سوسیال دمکراسی انقلابی در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۲۹۹ (۲۲ ژوئن ۱۹۲۱) در نخستین کنگره حزب در بندرانزلی، رسماً موجودیت «حزب کمونیست ایران» را اعلام کرد. در پلنوم کمیته مرکزی، در مهرماه ۱۲۹۹، حیدر عمواغلی، به صدارت حزب برگزیده شد. تشکیل «حزب کمونیست ایران»، مرحله نوینی در تاریخ جنبش کارگری ایران بود. «حزب» در سال ۱۳۰۰ شمسی، اقدام به انتشار روزنامه «حقیقت» با شعار «رنجبروری زمین اتحاد» کرد. «حقیقت» به دلیل طرح مسائل توده ای و برخورد مارکسیستی در تحلیل حوادث کشور و جهان، به یکی از پرنفوذترین روزنامه های ایران مبدل شد، و در نتیجه، حکومت پلیسی وقت از انتشار آن جلوگیری کرد. ولی روزنامه «کسار»، با همان روش و محتوا، جای خالی آن را پر کرد. در سال ۱۳۰۱ روزنامه «پیکان» و نشریه «خلق» و همچنین مجله «جرقه» ارگان تئوریک «حزب کمونیست ایران» انتشار یافت. یکی از مهم ترین وقایع کارگری ایران در این دوران، نخستین تظاهرات کارگری ایران، در اردیبهشت سال ۱۳۰۱ بود (باربری حزب به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر). در همین سال نخستین اعتصاب کارگری نیز، که نقطه عطفی در تاریخ جنبش کارگری ایران به شمار می آید، در تاسیسات نفت جنوب شکل گرفت.

کودتای رضاخان و جنبش کارگری

انقلاب کبیرا کبیر، تاثیر تکان دهنده در ایران داشت. جنبش ها و قیام های مسلحانه ای در نواحی مهم کشور، مانند: انقلاب گیلان، قیام خیابانی در آذربایجان، قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان، برپا شد. نیروی نظامی انگلیس که برای نابودی حکومت جوان شوراها، از طریق ایران، به ماوراء قفقاز رسیده بود، بر اثر پیروزی های درخشان ارتش سرخ، ناگزیر به عقب نشینی و تخلیه ایران شد. اکنون مهم ترین مسئله برای امپریالیسم انگلیس حفظ موقعیت سوق الجیشی خود در ایران، و تشکیل حلقه ئی نیرومند گرداگرد کشور شوروی بود. لزوم ایجاد حکومتی خدمتگزار به امپریالیسم انگلیس، در ایران، در دستور روز قرار گرفت. رضاخان میرنخ، به خوبی از عهده چنین ماموریتی برمی آمد. رضاخان در کودتای سوم اسفند ۱۳۰۰ (در کابینه سیدضیاء) به وزارت جنگ، و در ۱۳۰۴ به سلطنت منصوب شد. کنگره دوم حزب کمونیست ایران، به منظور ارزیابی حکومت رضاخان، و تحلیل اوضاع سیاسی ایران و جهان در آن مرحله تاریخی، و تعیین مشی سیاسی و تصویب برنامه «حزب» در سال ۱۳۰۶ در ارومیه تشکیل شد. «حزب کمونیست ایران» در شرایط مساعدتر پس از کودتا، و سپس در دوران فعالیت های زیرزمینی در دوران اختناق، فداکارانه و سرسختانه در زمینه های گوناگون مبارزه کرد: قیام مسلحانه گیلان، فعالیت های مطبوعاتی، آموزشی، سازمانی، سندیکایی،

و ایجاد انجمن های صنفی- فرهنگی، برگزاری نخستین روز جهانی زن (۸ مارس) در ایران، و تاسیس اتحادیه «کارگران نفت جنوب» در (۱۳۰۴). این اتحادیه نخستین تشکل کارگری ایران بود که ضمن مبارزه صنفی، خواست های سیاسی مشخصی را نیز مطرح کرد. یکی از بزرگ ترین رویدادهای کارگری در این سال ها، اعتصاب بزرگ کارگران نفت جنوب در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۸ بود. در این اعتصاب ۹ هزار کارگر شرکت کرده بودند. اعتصاب با تهاجم وحشیانه پلیس مواجه شد. برخی از درخواست های کارگران عبارت بود از: افزایش دستمزدها تا ۱۵ درصد، به رسمیت شناختن اتحادیه کارگران، به رسمیت شناختن اول ماه مه، دخالت دادن نمایندگان کارگران در مورد تصمیم به اخراج و قبول کارگر، و هفت ساعت کار برای جوانان کمتر از ۱۸ سال. همچنین اعتصاب کارگران کارخانه وطن اصفهان در ۱۳۱۰، یکی از بزرگ ترین کارخانه های آن زمان، نیز یکی از تلاش های چشمگیر «حزب کمونیست ایران» در جهت ایجاد تشکل های کارگری ایران و دفاع از حقوق آنان بود.

با وحشت از گسترش فعالیت تبلیغاتی و تشکیلاتی «حزب کمونیست ایران»، به فرمان رضاخان، مجلس ایران در ۱۰ خرداد ۱۳۱۰، قانون ننگین ضد کمونیستی، معروف به «قانون سیاه» را تصویب کرد. با این بهانه تعدادی از رهبران و فعالین حزب دستگیر شدند و وعده ئی از مبارزان زیر شکنجه به شهادت رسیدند.

سقوط رضاخان - تشکیل حزب توده ایران و دوران شکوفایی جنبش کارگری ایران، ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲

با سقوط دیکتاتوری رضاخان، در شهریور ۱۳۲۰، به علت همکاری با فاشیست های هیتلری، «حزب توده ایران» ادامه دهنده راه و وارث برحق «حزب کمونیست» در ۱۰ مهرماه ۱۳۲۰، رسماً اعلام موجودیت کرد. در همین ماه، رشد و گسترش جنبش کارگری و سندیکایی از مبارزه «حزب توده ایران» برای متحد ساختن صفوف طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و نیروهای مترقی، در راه آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی جدایی ناپذیر است. در فاصله کوتاهی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶، جنبش سندیکایی بارهبری «حزب توده ایران» به پیروزی های عظیمی نایل آمد. به برخی از آنها اشاره می کنیم: تشکل کارگران و زحمتکشان در سازمان های وسیع سندیکایی و اتحادیه ای کارگران و زحمتکشان ایران در اول ماه مه ۱۳۲۳ از تجمع چهار مرکز سندیکایی تاسیس شورای متحده مرکزی، که بیانگر وحدت سازمانی جنبش سندیکایی در سراسر ایران بود. این تشکل عظیم در سال ۱۳۲۵ به عنوان یگانه مرکز سندیکایی اصیل در ایران به عضویت «فدراسیون سندیکاهای جهانی» درآمد و به پیروزی های بزرگی در زمینه تامین خواسته های اقتصادی - رفاهی کارگران، دست یافت.

ارتجاع دربار و امپریالیست های امریکا و انگلیس، با نگرانی از قدرت یافتن جنبش کارگری و حزب سیاسی آن «حزب توده ایران» در سال ۱۳۲۶، شورای متحده مرکزی و سازمان های اصیل سندیکایی را در سراسر ایران مورد هجوم قرار دادند، و سپس در بهمن ۱۳۲۷ با توطئه ساختگی ترور شاه، فعالیت علنی حزب توده ایران را ممنوع ساختند. ولی طبقه کارگر ایران، با تشدید مبارزات اعتصابی خود، چه در منطقه نفت خیز خوزستان و چه در نقاط دیگر، یورش های سال های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ به حزب توده ایران و سازمان های سندیکایی به تدریج خنثی کرد. این مبارزه کارگری با اعتصاب کارگران شاهی در سال ۱۳۲۹ آغاز شد و تا اعتصاب کارگران صنایع نفت که به حکومت ملی دکتر محمد مصدق منجر شد، ادامه یافت، و با تظاهرات عظیم صدهزار نفری به عنوان اعتراض به ورود «اورل هریمن» مشاور مخصوص ترومن رئیس جمهوری امریکا، و تظاهرات عظیم ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱، به رهبری حزب توده ایران، که منجر به سقوط حکومت قوام السلطنه شد، به اوج خود رسید. سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در جنبش سندیکایی و اتحادیه ای کارگران ایران به رهبری حزب توده ایران، با همه فراز و نشیب ها، دورانی مهم در تاریخ مبارزات مردم ایران به شمار می آید.

کودتای خانان ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - سقوط حکومت ملی دکتر محمد مصدق و شکست جنبش رهایی بخش ملی

ارتجاع محمد رضا شاهی، همگام با سازمان های اطلاعاتی امپریالیست های امریکا و انگلیس، هراسان از رشد چشمگیر جنبش کارگری و نیروهای مردمی، و در اس آن حزب توده ایران، با بهره گیری از چند دستگی در صفوف مبارزه توده ها، به کودتایی خونین دست زدند. کودتایی که به بازداشت و کشتار آزادیخواهان و سقوط حکومت ملی دکتر محمد مصدق، منجر شد.

در این دوران این واقعیت تاریخی به ثبوت می رسد که، تامین استقلال و آزادی برای جامعه و رهایی کشور از ارتجاع داخلی و امپریالیستی زمانی تحقق می پذیرد که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در عرصه فعالیت های سیاسی و اجتماعی حضور گسترده

ادامه جنبش کارگری و کمونیستی ایران ...

داشته باشند. نیروی استقلال طلب و آزادی خواه غیر کارگری در کشور ماتوانستند از این واقعیت تاریخی بدرستی نتیجه گیری کنند. کودتای ۲۸ مرداد، آغازی بود پروردانی تاریک و سیاه برای خلق های ایران. هزاران تن از مبارزان راه طبقه کارگر، توده ای ها و دیگر نیروهای ملی، در گوشه و کنار کشور، به زندان افکنده شدند. گروهی از زبده ترین مبارزان جنبش طبقه کارگر، یابراتر شیبخون های ناخوانمردانه دشمن جان سپردند، یازبرشکنجه کشته شدند، یا در میدان های تیر قهرمانانه برابر جوخه های آتش سرود آزادی سردادند، از رفقا و اطرافان و کوچک شوشتری گرفته، تا ناوی وظیفه انوشه، و از رفقا سرهنگ سیامک تا خسرو روزبه، مرتضی کیوان و بسیاری دیگر قهرمانان شهید. دکتر محمد مصدق پس از زندان و محاکمه، در تبعید جان داد و دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه دکتر مصدق، تیرباران شد.

از ۲۸ مرداد تا انقلاب ۱۳۵۷

دوران سیاه منحوس رژیم پهلوی، دوران سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام بود، و در عین حال دوران مقاومت و مبارزه قهرمانانه کارگران، زحمتکشان و دیگر آزادیخواهان ملت ما. و سرانجام، آتش دوباره از زیر خاکستر زبانه کشید. مبارزه، اعتصاب، مقاومت و سرود ایستادگی بر شکنجه و اعدام پیروز شد و جنبش های کارگری و راهی بخش، به تدریج شکل گرفت و به اوج رسید. عمده ترین اعتصاب های کارگری در فاصله سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ عبارت بود از: اعتصاب متعدد کارگران در سال های ۱۳۳۴ تا ۳۹، اعتصاب ۱۲ هزار راننده تاکسی (فروردین ۱۳۳۷)، اعتصاب عظیم ۳۰ هزار کارگر کوره پزخانه های تهران و کارگران نساجی (۱۳۳۸)، اعتصاب کارگران نفت و صنایع نساجی و نانوايي ها (۱۳۴۰)، اعتصاب کارگران راه آهن و نفت (۱۳۴۲)، اعتصاب ۱۶ هزار تاکسی ران (آذر ۱۳۴۳)، اعتصاب رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران (اسفند ۱۳۴۹)، تظاهرات خونین کارگران جیت سازی، اعتصاب ۴۰ روزه کارگران نفت آبادان (۱۳۵۳)، اعتصاب کارگران ایران ناسیونال (۱۳۵۴) و اعتصاب های سرنوشت ساز کارگران، زحمتکشان، زنان، مردان، جوانان و دانشجویان مبارز در سال ۱۳۵۷. در این دوران خصوصاً در ماه های پیش از پیروزی انقلاب، کارگران نفت نقش تعیین کننده ای در پیروزی رساندن انقلاب ایفاء کردند.

بستن لوله های نفت، با وجود تهدید های رژیم و ساواک، سرانجام رژیم وابسته به امپریالیسم را به زانو در آورد و راه را برای پیروزی انقلاب گشود. نقش برجسته کارگران در روند پیروزی انقلاب، باردیگر نشان داد که طبقه کارگر ایران با مبارزه منسجم و سازمان یافته، انقلابی ترین طبقه در میدان پیکار طبقاتی برای تحقق منافع توده های رنج و زحمت است.

از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ تا رژیم سرکوبگر ولایت فقیه

طبقه کارگر ایران و حزب سیاسی آن حزب توده ایران، همراه با دیگر گروه ها و سازمان ها و نیروهای مبارز، در پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷ نقش حساس و سرنوشت سازی داشتند. در دوران پس از پیروزی انقلاب، حزب توده ایران با دیگر همساله سازماندهی و تشکل طبقه کارگر رادراس برنامه کار خود قرارداد. مبارزه بغرنج و همه جانبه حزب در حمایت از تصویب یک قانون کار مترقی و دموکراتیک، در اوضاع پیچیده سال های اول انقلاب، از صفحات درخشان فعالیت حزب توده ایران است. ولی حاکمیت برآمده از انقلاب که مانند حکومت ارتجاعی رضاخان و محمدرضا شاه از ژرفای انقلاب و رشد جنبش کارگری و حزب سیاسی آن حزب توده ایران و همچنین رشد انقلابی زنان، مردان، جوانان، و دانشجویان دگراندیش در هراس بود، از سال ۱۳۶۰، سرکوب رسمی و گسترده نیروهای دگراندیش را آغاز کرد. در دوران پس از تهاجم جنایتکارانه رژیم به حزب توده ایران و تشکل های واقعی کارگری، مبارزه هدفمند برای دستیابی به حقوق کارگران ادامه داشت. سرکوب وحشیانه تشکل های واقعی و مستقل طبقه کارگر، نتیجه مستقیم خیانت به دستاوردهای انقلاب بهمن توسط رهبران رژیم «ولایت فقیه» است. مبارزه درخشان کارگران در مقابله با قانون کار احمد توکلی، وزیر کار و وقت رژیم، و از سردمداران جناح مدافع «دوب در ولایت»، در شرایطی که ارگان های سرکوبگر یورش گسترده ای را بر ضد نیروهای مترقی، خصوصاً حزب توده ایران و جنبش کارگری میهن ما، آغاز کرده بودند، از صفحات درخشان مبارزه کارگران بر ضد رژیم استبدادی حاکم است. شکست توکلی که سرانجام به برکناری او از وزارت کار منجر شد، و حفظ برخی مواد مدافع حقوق کارگران در قانون کار، از جمله دست آوردهایی است که نیروهای ارتجاعی همچنان در تلاش بازپس گرفتن آن اند.

طبقه کارگر ایران در صحنه مبارزه

بیست سال پس از پیروزی انقلاب بهمن، و در حالی که هنوز خواست های

جنبش مردمی از جمله آزادی و عدالت اجتماعی تحقق نیافته است، بار دیگر جنبش کارگران و زحمتکشان میهن ما بر ضد رژیم استبدادی حاکم رو به اوج و گسترده گشت. جنبش کارگری ایران، به دلیل شرایط موجود عینی و ذهنی، روز به روز اوج بیشتر خواهد گرفت. ما در دو سال گذشته شاهد ده ها حرکت مهم کارگری در سراسر شهرهای میهن مان بوده ایم. از جمله مهم ترین اعتصاب های سال ۱۳۷۶-۱۳۷۷ می توان از حرکت یکپارچه کارگران کاشان در جلوگیری از واگذاری بیمارستان «شهید بهشتی» به بخش خصوصی، اعتصاب در مجتمع صنایع ملی (کفش ملی)، اعتصاب در نورداهواز، مجتمع کشت و صنعت هفت تبه، ماشین سازی اراک، ماشین سازی تبریز، چیت سازی بهشهر، کارگران پیمانی کارخانه سیمان درود و نفتگران آبادان، نام برد. اعتصاب های کارگری این واقعیت را نشان می دهد که باردیگر مراکز عمده تولیدی و صنعتی و نیز کارگران بخش های کلیدی و استراتژیک پایه میدان مبارزه گذاشته اند. آن چه در شرایط کنونی مهم است، ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی در میان کارگران است. باید اعتصاب ها و حرکت های اعتراضی پراکنده را به هم پیوند داد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، در راه گسترش و زرفش جنبش کارگری و تاثیر گذاری آن بر شکل گیری جنبش وسیع اجتماعی، همه مساعی و امکانات و توان خود را به کار برده و خواهد برد.

ادامه نگاهی به تجربیات یکساله ...

زاویه و با این هدف صورت می پذیرد.

مبارزه با اصلاح قانون کار به سود سرمایه داران، یکی از عرصه های اساسی نبرد در شرایط کنونی قلمداد می شود. باید در مقابل طرح ارتجاعی رژیم ولایت فقیه، جنبش کارگری - سندیکایی شعار تدوین و اجرای قانون کار مترقی به سود کارگران و زحمتکشان را مطرح سازد. می باید با قاطعیت و به صورت یکپارچه، توطئه رژیم را درهم شکست. کارگران ایران به اصلاح قانون کار به سود سرمایه داران نه می گویند، و خواهان تدوین و اجرای قانون کار مترقی اند. در تدوین قانون کار مترقی باید تشکل های مستقل صنفی - سندیکاهای کارگری حضوری جدی و مستقیم داشته باشند.

اشکال مبارزه و ضرورت ایجاد تشکل های مستقل صنفی:

در سال گذشته، مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، اشکال متنوعی به خود گرفت. ما شاهد به کارگیری انواع مختلف مبارزه در شکل تحصن، کم کاری، اعتصاب، تجمع و راه پیمایی بودیم. بی شک شکل مبارزه در ارتباط تنگاتنگ با مرحله مبارزه و رشد آن قرار دارد. گرچه در طول سال گذشته، برخی اشکال نظیر راه پیمایی مورد استفاده قرار گرفت، ولی از آنجا که سطح سازماندهی و تشکیلات در جنبش کارگری و سندیکایی دچار ضعف جدی است، این اشکال رادیکال نیز نتوانست کاملاً موثر باشد. تجربه ثابت می کند، که به کارگیری شیوه های گوناگون در شرایط رشد مبارزات، بدون وجود تشکیلات صنفی - اجتماعی، نتوانست تاثیر جدی از خود باقی گذارد.

ضعف اساسی مبارزات کارگران و زحمتکشان در حال حاضر نبود تشکل های مستقل صنفی (سندیکا) است. باید به هر وسیله ممکن و از هر راه موجود باظرافت و هوشیاری در عین پیگیری برای ایجاد و تقویت تشکل های مستقل صنفی کوشید. در سال گذشته، رژیم بادرک این خلاء در جنبش کارگری میهن ما، در صدد برآمد با قریب زحمتکشان یک تشکل زرد و ارتجاعی بوجود آورد. با چند مانور، سرانجام جمهوری اسلامی، «حزب اسلامی کار» را ایجاد نمود. این جریان بی پشتوانه و حباب گونه قطعا دوام چندانی نخواهد داشت. اصولاً هیچ نهاد، سازمان و حزبی نمی تواند جایگزین سندیکاهای کارگری یعنی تشکل های مستقل صنفی شود و وظایف آن را برعهده بگیرد. حزب مادر ابتدای انقلاب همواره بر این مهم تاکید داشت و از این رونقش انجمنها و نهادهای وابسته به رژیم در محیط های کارگری را فاش می کرد، اکنون نیز باید برای اصل اساسی تاکید و دوندندان نمود. فقط و فقط سندیکاهای اتحادیه واقعی نهاد دفاع از حقوق صنفی - اقتصادی و حرفه ای کارگران و زحمتکشان هستند. در شرایط کنونی، ضرورت ایجاد و تحکیم و تقویت تشکل های صنفی وظیفه ای مبرم برای کارگران و زحمتکشان محسوب می شود. اعضا و هواداران حزب در داخل کشور و در محیط های کارگری و نیز کارگران آگاه و پیشرو باید همه تلاش خود را برای ایجاد این تشکلهای بسیج نمایند.

کوتاه سخن: تجربه یکساله گذشته نشان داد، رژیم ولایت فقیه، همه جناح های آن حتی حاضر نیستند، گامی کوچک در جهت خواست و منافع کارگران و زحمتکشان بردارند. فقط و فقط با مبارزه باید این رژیم را به عقب نشینی و سپس تسلیم وادار کرد. همچنین اهمیت تشکیلات و سازماندهی در جنبش کارگری در سال گذشته به نحو برجسته ای خودنمایی می کرد. باید تمامی مساعی در راه سازماندهی مبارزه کارگران بکار گرفته شود. آینده بیش از گذشته بر نقش انکارناپذیر کارگران و زحمتکشان در تحولات میهن ما مهر تأیید خواهد زد.

صفحاتی از جنبش جهانی طبقه کارگر

جدیدی را وضع کرد که شرایط انتخابات آزاد و تغییر مسئولین را در تمامی سطوح مهیا می کرد. تعیین حداقل دستمزد، تحصیل رایگان و اجباری، بهبود شرایط مسکن و تدابیر لازم برای رفع بیکاری از جمله اقدام های دیگر مهم کمون پاریس بود. این انقلاب در ۲۸ مه ۱۸۷۱ سقوط کرد، ولی از نظر تاریخی نقش بزرگی را در تحول تئوری مارکسیستی-لنینیستی ایفا کرد، نقشی که تأثیر بسزایی در پیروزی انقلاب اکتبر داشت. بسیاری از رهبران کمون پاریس از فعالان انترناسیونال بودند، و انترناسیونال اول فعالیت درخشانی را در پشتیبانی از مبارزه قهرمانانه کارگران پاریس ارائه کرد، و پس از شکست آن نیز فعالیت های پر دامنه ای را بر ضد ترورخونین کارگران توسط دولت بورژوازی فرانسه سازمان داد. پس از شکست کمون پاریس، در همه کشورها، فشار بر ضد انترناسیونال اول شدت بی سابقه ای یافت. عناصر مردود و متزلزل کناره گیری کردند و به تدریج ادامه فعالیت مرکز کار انترناسیونال در اروپا غیر ممکن شد. به این جهت در کنگره لاهه در سال ۱۸۷۲، تصمیم گرفته شد تا این مرکز به نیویورک منتقل شود. انترناسیونال اول ۴ سال بعد طی کنفرانس فیلادلفیا رسماً منحل شد.

اول ماه مه

پس از انحلال انترناسیونال اول، مبارزه کارگران به صورت پراکنده در نقاط مختلف جهان ادامه یافت. این مبارزه به ویژه بین سال های ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰ در ایالات متحده صورت گرفت. در دهه هشتم قرن نوزدهم، ایالات متحده آمریکا به بزرگ ترین کشور صنعتی دنیا تبدیل شده بود. شهرها با سرعت رشد می یافتند، و کارخانه های جدید احداث می گردیدند. در این موسسه ها تجهیزات تولیدی بیش از پیش تکامل یافته ای به کار گرفته می شدند. با وجود تبلیغ کارفرمایان آمریکایی که در خارج کشور، وعده بهشت برین را در آمریکا می دادند، در آمریکای شکوفا، کارگران مجبور بودند بین ۱۰ تا ۱۵ ساعت در روز کار کنند و در قبال این کار طاقت فرسا نیز چیزی جز زندگی کردن در خرابه ها نصیب شان نمی شد در این دهه، کارگران آمریکایی برای کاهش میزان کار به ۸ ساعت کار روزانه، افزایش دستمزد و تأمین وسایل ایمنی در محل کار، دست به تظاهرات و اعتصابات متعددی زدند. در سال ۱۸۸۰ در اعتصاب کارگران راه آهن، برای گرفتن حق قانونی خود، سربازان دولتی به سوی کارگران آتش گشودند، که در جریان آن ۳۰۹ نفر از کارگران به هلاکت رسیدند. در همین دوران، مبارزات کارگران شیکاگو، یکی از مراکز عمده صنعتی آمریکا، ابعاد بسیار گسترده ثی پیدا کرد. در شیکاگو، گروه نیرومندی از سوسیالیست های انقلابی وجود داشتند که سازمان دهندگان با استعداد و ناطقین درخشانی چون پاسونس آمریکایی، اشیپتیس، انگل و فیشر آلمانی و فیلدن انگلیسی در راس آن قرار داشتند. این گروه، انجمنی را تأسیس کردند که نام آن «انجمن مبارزه برای رسیدن به ۸ ساعت کار در روز» بود. کارگران شیکاگو روز اول ماه مه ۱۸۸۶ را، در حمایت از خواست ۸ ساعت کار در روز، اعتصاب عمومی اعلام کردند. در این روز ۴۰ هزار کارگر بخش های حمل و نقل عمومی، کشتارگاه هاو کارخانه های مختلف دست از کار کشیدند، و با پوشیدن لباس های نو، مخصوص روزهای یکشنبه، با همسر و فرزندانشان به خیابان ها آمدند. در روز دوم اعتصاب تعداد اعتصاب کنندگان به ۸۰ هزار نفر رسید. در روز سوم ماه مه ۱۸۸۶، ۶ هزار نفر از کارگران در کنار کارخانه سازنده ماشین آلات «درو» میتینگن برپا کردند. «مک کورمیک»، صاحب این کارخانه، در پاسخ به درخواست کارگران مبنی بر ۸ ساعت کار روزانه، کارخانه را تعطیل کرد، و به جای آن عده ثی اعتصاب شکن را، که در حمایت پلیس بودند، اجیر کرد. بین شرکت کنندگان در میتینگ و اعتصاب شکنان درگیری هایی صورت گرفت و به دخالت پلیس منجر شد. طی این درگیری، پلیس به سوی کارگران آتش گشود که بر اثر آن ۶ نفر کشته و ۵۰۰ نفر زخمی شدند. روز بعد، در میدان «هی مارکت» میتینگ اعتراض بر ضد سرکوب پلیس برپا شد، که کاملاً صلح آمیز بود. ولی پلیس بار دیگر به تحریک سرمایه داران، به شرکت کنندگان در میتینگ حمله کرد و در جریان این برخورد ها بمبی منفجر شد که باعث زخمی شدن بسیاری از تظاهر کنندگان و یک پلیس شد. پلیس به بهانه اینکه بمب توسط اتحادیه های کارگری کار گذاشته شده است، به مراکز اتحادیه های کارگری حمله برده و رهبران آن را دستگیر کرد. در جریان دادگاه فرمایشی که صورت گرفت، برای آنکه درس عبرتی به کارگران داده باشند، رهبران اتحادیه ها به مرگ محکوم شدند و در روز ۱۱ نوامبر ۱۸۸۷ اعدام شدند. این عمل موجب خشم و نفرت کارگران سراسر جهان شد، و در اعتراض به این عمل وحشیانه میتینگ های عظیمی در آمریکا، ایتالیا، فرانسه و هلند برگزار شد. در سال ۱۸۸۹ اولین کنگره «انترناسیونال دوم»، در فدرقان مارکس که در ۱۴ مارس ۱۸۸۳ برگزار شد، و به رهبری انگلس برگزار شد. در این کنگره تصمیم گرفته شد تا اول ماه مه به عنوان روز همبستگی بین

با پیدایش سرمایه داری و تکامل آن، طبقه جدید اجتماعی یعنی، طبقه کارگر (پرولتاریا)، نیز پا به عرصه گذاشت که در تضاد با منافع سرمایه داران بود. در جریان این تکامل، تضاد میان پرولتاریا و سرمایه داران نیز ژرف تر شد. کارگران این مبارزات از ساده ترین شکل آنها یعنی، مبارزه اقتصادی آغاز شد. کارگران در مبارزه خود دریافتند که برای به دست آوردن خواسته های خود از جمله اضافه دستمزد، کاهش ساعات کار روزانه، بیمه، بازنشستگی و جز آن، نیاز به تشکیلات صنفی خود دارند. کارگران با تشکل در سندیکاها و دیگر سازمان های کارگری به مبارزه اقتصادی دست زدند، مبارزه ثی که از نظر تاریخی نخستین شکل مبارزه طبقاتی پرولتاریاست. در این زمان مبارزه کارگران نه در از بین بردن استثمار، بلکه محدود کردن و کاستن آن بود. با رشد و تکامل پرولتاریا، مبارزه اقتصادی و صنفی کارگران کارخانه ها و مناطق جداگانه به مبارزه مشترک طبقه کارگر با طبقه سرمایه داری، به عنوان یک واحد اجتماعی، بدل گردید، و این آغاز مبارزه طبقاتی در شکل سیاسی بود. مبارزه ثی که به هدف نابودی پایه های نظام سرمایه داری و در دست گرفتن قدرت سیاسی توسط پرولتاریاست. در دوران اولیه مبارزات کارگران، به دلیل آنکه تشکیلات آنها دارای برنامه مشخص مبارزاتی نبود، به طور مداوم به شکست می انجامید و سرکوب می شدند. سرانجام «اتحادیه کمونیست ها»، که در ابتدا یک سازمان کارگری صرفاً آلمانی بود و بعدها به صورت یک سازمان جهانی بدل گردید و بنا به شرایط سیاسی آن زمان اروپا به صورت مخفی فعالیت می کرد، در کنگره خود که در سال ۱۸۴۷ در لندن برگزار شد، به مارکس و انگلس ماموریت داد تا برنامه مشروح و تئوریک حزب را برای انتشار تهیه کنند. در ژانویه سال ۱۸۴۸ این کار پایان یافت، و دستنویس آلمانی «مانیفست حزب کمونیست» پیش از انقلاب فوریه فرانسه برای چاپ به لندن فرستاده شد. «مانیفست حزب کمونیست» نخستین سند برنامه ای مارکسیسم است که احکام بنیادی مارکسیسم، به شکل فشرده و روشن، در آن بیان شده، و هدف نهایی مبارزه پرولتاریا و پیشاهنگش، حزب کمونیست، آشکارا اعلام گردیده است. در همین سال قیام ژوئن سال ۱۸۴۸، نخستین بیکار بزرگ میان پرولتاریا و بورژوازی، به شکست انجامید که بازم برای مدتی طومار خواست های اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر اروپا را در هم پیچید، و از آن پس مبارزه بر سر قدرت باز مانند پیش از انقلاب فوریه، فقط میان گروه های گوناگون طبقه توانگر انجام می گرفت، و طبقه کارگر مجبور بود به مبارزه برای احراز آزادی فعالیت سیاسی به موضع گیری در جناح افراطی بخش رادیکال بورژوازی بسنده کند. هر جا که جنبش مستقل پرولتری بود و آثار حیات خود نشان می داد، بشدت سرکوب می شد. در همین دوران پلیس پروس توانست رد کمیته مرکزی اتحادیه کمونیست ها را، که در آن زمان در کلن بود، پیدا کرده و اعضا آن را دستگیر کند. اعضا کمیته مرکزی پس از ۱۸ ماه بازداشت، سرانجام در اکتبر ۱۸۵۲ به دادگاه تسلیم شدند. این محاکمه مشهور که «دادرسی کمونیست ها در کلن» نامیده می شود، از ۴ اکتبر تا ۱۲ نوامبر ادامه یافت، و هفت تن از آنان به ۳ تا ۶ سال زندان محکوم شدند. اعضا بازممانده بلافاصله پس از صدور حکم، اتحادیه را بظاهر منحل اعلام کردند، و تصور می رفت که «مانیفست» از آن پس محکوم به فراموشی است. بتدریج، زمانی که طبقه کارگر اروپا توانست به اندازه کافی نیرو جمع کند، «جمعیت جهانی کارگران» پدید آمد، که به عنوان «انترناسیونال اول» معروف است.

انترناسیونال اول

«انتر ناسیونال اول» در ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ توسط مارکس و انگلس تأسیس شد، و هدف آن متحد ساختن تمام پرولتاریای رزمنده اروپا و آمریکا بود. اعلامیه تشکیل آن توسط مارکس نوشته شد. این سند، به برنامه پرولتاریای انقلابی در قرن نوزدهم مبدل شد، و در آن وظیفه پرولتاریا سرنگون ساختن قدرت سرمایه و استقرار حکومت کارگران از طریق مبارزه سیاسی تعریف شده بود. احزاب کارگری در آن زمان، به شکل شعب این سازمان بین المللی در کشورهای مختلف، تأسیس شدند. در کمتر از دو سال ۲۵ سازمان تقریباً در تمام کشورهای اروپا و در سایر قاره ها تشکیل شد. در سال ۱۸۶۷ چاپ کتاب سرمایه (کاپیتال) نقطه عطف دیگری در جنبش کارگری بود، و به ابزار بسیار مهمی در تربیت سازمان های کارگری و پیشرفت مارکسیسم مبدل شد. در سال ۱۸۷۱ نخستین انقلاب پرولتری روی داد، و نخستین حکومت کارگری که در تاریخ به نام «کمون پاریس» مشهور است، به روی کار آمد. این انقلاب در پی نابسامانی های اقتصادی - اجتماعی آن زمان فرانسه شعله ور شد که بی آمد شکست سخت فرانسه از دولت پروس بود. دولت برای جبران خسارات وارده از جنگ، مالیات های سنگینی را بر زحمتکشان تحمیل کرد که نتیجه آن شورش عمومی مردم بود. در جریان این شورش، رهبری کمیته محلی کرد، اقدام به تشکیل گارد ملی کرد، و دولت جدید را تشکیل داد. این دولت در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ پرچم سرخ پرولتری را بر فراز ساختمان دولت فرانسه به اهتزاز در آورد. کمون پاریس در دوران کوتاه حکومت خود، که فقط ۷۲ روز طول کشید، توانست تغییرات مهمی را ایجاد کند که تأثیر بسزایی در مبارزات آتی پرولتاریای سراسر جهان در پی داشت. دولت جدید، ارتش و پلیس را منحل کرد و کلیسا را از حکومت جدا ساخت و اولین دولت متکی بر اصول دیکتاتوری پرولتاریا را به وجود آورد. دولت جدید، بر اصول دموکراتیک استوار بود و قوانین

تشکل های مستقل صنفی کارگران وزحمتکشان «سندیکا»

جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما، طی چند سال اخیر، از رشد و گسترش چشمگیری برخوردار بوده است. این جنبش با وجود مبارزات پیگیر و مداوم خود با رژیم واپس گرای «ولایت فقیه»، دچار یک ضعف اساسی و جدی است و آن، نبود تشکل های مستقل صنفی است که قاطعانه از منافع کارگران وزحمتکشان دفاع کند. تجربه ثابت می کند که، بدون وجود چنین تشکل هایی، مبارزه کارگران کارایی لازم را ندارد، از این رو آشنایی کارگران پیشرو و فعالان جنبش کارگری با مفهوم علمی و روشن تشکل های مستقل صنفی، یعنی سندیکاها، در شرایط کنونی از اهمیت وافر برخوردار است. واژه سندیکا، دارای معانی متعددی است. در جنبش کارگری، این واژه به معنای سازمان صنفی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است. سندیکا، در جریان مبارزه کارگران برای دفاع از منافع خود و بهبود شرایط اقتصادی خود پدید آمد. نخستین سندیکاها در آغاز سده هجدهم در انگلستان به وجود آمد. در فرانسه، در پایان سده هجدهم، سندیکاها شکل گرفت و در ایالات متحده آمریکا و آلمان به ترتیب در اوایل و اواسط سده نوزدهم، در کشور ما ایران، نخستین تشکل های مستقل صنفی به سال های پیش از انقلاب مشروطیت بازمی گردد. بارش و گسترش شوه تولید سرمایه داری و پیدایش طبقه کارگر، شکل نوین و اصولی این تشکل ها در سال های ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۶ پدید آمدند. به دلایل عینی و ذهنی، و شکل رشد سرمایه داری در ایران، جنبش سندیکایی میهن ما دارای دویزگی بارز و فوق العاده مهم است. نخست اینکه، این جنبش در دوران تکوین خود در مقطعی از زمان قرار می گیرد که، اندیشه های سوسیالیسم در کشور برای اولین بار ترویج و تبلیغ می گردد. جنبش سندیکایی از این تبلیغ و ترویج سخت تاثیر می پذیرد. دوم آنکه، جنبش سندیکایی ایران برخلاف مسیر کلاسیک آن در اروپای باختری و آمریکا به وجود آمده و تکامل می پذیرد، به دیگر سخن، رشد جنبش سندیکایی در ایران تحت تاثیر مستقیم کمونیست های ایران (حزب توده ایران و سلف آن حزب کمونیست ایران) شکل گرفته، رشد کرده و قوام یافته است. این امر در کلیه مراحل حیات جنبش سندیکایی ایران صدق می کند. این ویژگی، هرگز و در هیچ مرحله ای از چارچوب اصولی و صحیح خارج نشده و یکی از ویژگی های منحصرفرد جنبش سندیکایی ایران قلمداد می شود. جنبش سندیکایی وسیع ترین و توده ای ترین بخش جنبش کارگری به شمار می آید. این جنبش به طور عمده شامل مبارزات اقتصادی - رفاهی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان می شود، گرچه به هیچ وجه از ضرورت مبارزات سیاسی و طبقاتی آنان نمی کاهد. جنبش سندیکایی از لحاظ تماس با توده های عظیم زحمتکشان، وسیع ترین و فراگیرترین سازمان متشکل کارگران وزحمتکشان محسوب می گردد. سندیکا، مرکز تشکل و تجمع مجموعه کارگران وزحمتکشان، صرف نظر از تفاوت های عقیدتی - سیاسی، مذهبی و مسلکی آنان است. همه کارکنان فکری و یدی زیر پوشش سندیکاها و اتحادیه ها قرار می گیرند و به دفاع از حقوق اجتماعی - صنفی و اقتصادی خود می پردازند. تشکل های مستقل صنفی - سندیکاها - به وسیع ترین توده های زحمتکش تکیه دارد، و عام ترین مسائل دفاع از حقوق کارکنان (فکری و یدی) را مطرح می سازد. علاوه بر این، جنبش سندیکایی کارگران وزحمتکشان، اشکال سازمانی ویژه خود را دارد. این جنبش بر تشکل سندیکا های پایه در کارگاه (اعم از کارخانه، اداره و موسسه دولتی و خصوصی)، تشکل های حرفه ای ورشته ای و سازمان سراسری سندیکایی استوار است. چنین سازمان دهی، همه زحمتکشان را از سطح کارگاه گرفته تا مقیاس تمام کشور در بر می گیرد و همه شاغلان کارمندی، اعم از یدی و فکری (کارگر، کارمند، کارخانه ای، اداری، آموزشی و خدماتی) را در بر می گیرد. در سندیکاها، تکیه اساسی بر دموکراسی وسیع توده هادرتصمیم گیری است. در عین حال، اصل تشکیلاتی سندیکاها نیز بر مرکزیت - دموکراتیک استوار است. همچنین در تعریف وظایف و ماهیت سندیکاها باید افزود، میان جنبش سندیکایی و جنبش کارگری، که دومی در فعالیت حزب طبقه کارگر تجسم می یابد، ارتباط عضوی و متقابل برقرار است. این ارتباط به معنای یکی بودن جنبش سندیکایی و مبارزات حزب طبقه کارگر نیست. هر یک از این نهادها استقلال و میدان فعالیت مشخص خود را دارند. جنبش سندیکایی کارگران وزحمتکشان، جنبش مستقل و قائم بالذات است، و قوانین رشد خاص خود را دارد. در اوضاع کنونی، تشکل سندیکاها یعنی تشکل های مستقل صنفی در کلیه سطوح، خواست بر مبنی کارگران وزحمتکشان میهن ماست. رژیم «ولایت فقیه» مانع عمده در برابر این خواست بحق و بسیار مهم است.

- منابع: ۱- واژه نامه سیاسی و اجتماعی - امیرنیک آیین - انتشارات حزب توده ایران ۱۳۶۵
۲- برخی مسائل نظری و تجربی جنبش سندیکایی کارگران وزحمتکشان در ایران - نامه مردم - دوره هفتم، سال سوم، شماره ۵۰۰ - پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ خورشیدی.
۳- پیدایش و رشد جنبش کارگری و کمونیستی در ایران - انتشارات حزب توده ایران، ۱۳۶۶ - (عبدالحسین آگاهی)

ادامه صفحاتی از جنبش جهانی طبقه کارگر ...

دادن جدایی کامل از انترناسیونال رفورمیستی دوم، احزاب کمونیست نام گرفتند. کنگره دوم کمیترون در سال ۱۹۲۰ و با حضور بیش از ۴۱ حزب تشکیل شد. کنگره دوم در مبارزه با اصطلاح چپ روها، که با شرکت کمونیست ها در پارلمان ها و سندیکا های تحت رهبری رفورمیست ها مخالف بودند واز این طریق در عمل وسایل مختلف مبارزه انقلابی حزب کمونیست را از وی می گرفتند، نقش مهمی را ایفا کرد. در زمان تشکیل کنگره هفتم کمیترون، که مقارن با رشد و هجوم فاشیسم بود، در جهان بیش از ۷۶ حزب کمونیست وجود داشت که فقط ۲۲ حزب از میان آنها فعالیت علنی داشتند و بقیه در شرایط غیر علنی فعالیت می کردند. کنگره هفتم به علت وضعیت موجود توجه عمده خود را بر مسئله فاشیسم متمرکز کرد و طی جنگ دوم جهانی نیز احزاب کمونیست فعالیت عظیمی را بر ضد فاشیسم سازمان داده و در کشورهای اشغال شده قهرمانانه نهضت های نیرومند مقاومت را رهبری کردند. سرانجام نیز بر اثر مقاومت بی باکانه و قهرمانانه مردم شوروی و ارتش سرخ، نیروهای فاشیستی هیتلر، با تحمل صدمات سنگین، وادار به عقب نشینی شدند، و با ورود ارتش سرخ به برلین و پیروزی در دیگر جبهه ها، مقاومت حکومت های فاشیستی در هم شکسته شد و زمینه های جدیدی برای رشد احزاب کمونیستی و تشکیل کشورهای سوسیالیستی به وجود آمد. در این زمان وظایف احزاب کمونیست بیش از پیش پیچیده شد، و شرایط پیکار گوناگون و متفاوت گشت. احزاب کمونیست رشد و تحکیم یافته بودند، و با آبدیگی و مهارت، مبارزه زحمتکشان کشور خود را رهبری می کردند. در این اوضاع، باقی ماندن یک مرکز واحد رهبری با رشد نهضت کمونیستی مغایر بود، و دخالت سازمانی در امور سایر احزاب نتایج منفی و مضری به بار می آورد. در سال ۱۹۴، با تصویب اکثریت احزاب کمونیستی، انحلال انترناسیونال کمونیستی اعلام شد. نقش تاریخی کمیترون، تقویت و تحکیم رابطه و همبستگی بین زحمتکشان، آبدیده کردن و لیبنی کردن این احزاب و تعیین اصول عمومی تئوریک و تبلیغاتی احزاب کمونیست بود. تاثیر انقلاب اکبر نه تنها در کشورهای از بند رسته، بلکه در کشورهای سرمایه داری نیز به خوبی مشهود بود. سرمایه داران از ترس نفوذ و رشد افکار سوسیالیستی در جهان، ناگزیر شدند تا امتیازاتی را فراتر از آنچه که خود مایل بودند، برای کارگران قائل شوند. کشورهای امپریالیستی و سرمایه داران داخلی، از همان بدو به قدرت رسیدن کشور شوراها، تمامی قدرت خود را به کار گرفتند تا حکومت شوراها را ساقط کنند، و سرانجام نیز بر اثر فشارهای خارجی از طرف امپریالیسم، و اشتباهات و سیاست های خائنانه برخی از رهبران حزب کمونیست شوروی، به ویژه میخائیل گارباچف (دبیر اول حزب کمونیست شوروی)، کشور شوراها متلاشی شد. عقبگرد تاریخی ناشی از فروپاشی حاکمیت سوسیالیستی در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی، نه فقط برای کمونیست ها، طبقه کارگر و مردم این کشورها، بلکه برای تمامی جامعه بشری فاجعه ای بس بزرگ بود.

بر اثر این فاجعه عظیم، دستاوردهای نزدیک به هشتاد سال تمدن نوع بشری و نتایج مبارزه چندین نسل از زنان و مردان زحمتکش کشورهای سوسیالیستی که با کار ایثارگرانه، فداکاری و از جان گذشتگی بی نظیر خود شالوده های جامعه ای نو و انسانی را در دشوارترین وضعیت تاریخی پی ریخته بودند، و با تحمل ضایعات عظیم و میلیون ها قربانی، آن را از تعرض دشمنان حفظ کرده بودند، بر اثر دسیسه های دشمنان تاریخی طبقه کارگر و مردم زحمتکش جهان ضربات بسیار سنگین خوردند.

مبارزه ادامه دارد

سرمایه داری جهانی، فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و اتحاد شوروی را «پایان تاریخ»، پایان مبارزه طبقاتی در سراسر جهان و آغاز «نظم نوین جهانی» اعلام کرد. سرمایه داری بر این تصور بود که در نبود اردوگاه سوسیالیسم و تکیه گاه مطمئن برای جنبش جهانی کارگری، خواهد توانست برای همیشه مبارزه توده های کار و زحمت را مهار کرده و دوران دیگری از استثمار وحشیانه و بی قید و بند را آغاز کند. ولی برخلاف این تصور سرمایه داران و مدافعان نظریاتی از این دست، از جمله برخی از نیروهای «چپ» که با دشوار شدن مبارزه، سنگر طبقه کارگر را ترک کرده و به اردوگاه امپریالیسم پیوسته بودند، جنبش طبقه کارگر در سراسر جهان نه تنها پایان نیافت، بلکه در ابعاد نوینی روبه رشد و گسترش نهاد. حرکت وسیع کارگران در اروپای پس از فروپاشی، در فرانسه، بلژیک، آلمان، ایتالیا، یونان، اسپانیا، پرتغال و دیگر کشورها، رشد بی سابقه اتحادیه های کارگری در قلب امپریالیسم جهانی، ایالات متحده، و اوج گیری جنبش های رهایی بخش کارگران و زحمتکشان در آسیا و آفریقا، نادرستی تصورات خام سرمایه داری را اثبات کرد، و نشان داد که مبارزه ادامه دارد. طبقه کارگر با خوشبینی تاریخی به آینده می نگرد، و بر اساس همین خوشبینی و توشه غنی انباشته از تجربیات نزدیک به دو سده مبارزه است که، با امید و آرمان بنای جامعه ای رها از استثمار انسان از انسان، به استقبال هزاره سوم میلادی می رود.



بررسی
رویدادهای
ایران

«همه چیز پای آخوندها»

ناطق نوری رئیس مجلس اسلامی رژیم طی سخنانی در بابل اظهار داشت: «جبهه ای که امروز باز شده جبهه فرهنگی جنگ، جنگ فرهنگی است زیرا کسانی که قطع امید کرده بودند امروز امیدوار شده اند. دشمن به این باور رسیده که با وجود این مردم نمی توان کودتا کرد»، وی افزود: «دشمن اینک در پی جمهوری اسلامی بی محتواست، رهبری این خطرا احساس کرده است.» رئیس مجلس بادیین ستیزخواندن برخی مطبوعات، شیوه کار آنها را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «حالا اینها داعیه دارند رعد ای هم به بهانه آزادی دنبال آنها افتاده اند. انگار ما در این بیست سال آزادی نداشتیم.» ناطق نوری ادامه داد: «در شرایط کنونی چپ و راست سمنی ندارد، نیروهای خودی و غیر خودی مطرح است، لذا نیروهای خودی باید سرتب شوند. آنها می گویند، شما آخوندها خراب کردید، اکنون اگر رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه آخوند هم نباشند، می گویند، ولایت فقیه است همه چیز پای آخوندها می گذارند.»

«حفظ نظام ولایت فقیه»

حجت الاسلام سید احمد خاتمی در نماز جمعه تهران هشدار داد که «ما اجازه نخواهیم داد که در فضای کشور اسلامی برخی نویسندگان در مطبوعات با هزینه نظام، علیه نظام اسلامی مقاله بنویسند.» وی تصریح کرد: «آقایان باید واقفیت هارابینند و مهم نیست که وزیر ارشاد باشد یا نباشد، مهم این است که سفره تساهل و تسامح در این کشور برچیده شود.» وی گفت: «برخی از نویسندگان در مطبوعات علیه عفاف، امام و ارزشها قلمفرسایی می کنند و این اثرات تساهل و تسامح است و بنده به عنوان دلوسوز دولت اسلامی و نظام اسلامی عرض می کنم که متدبیین نگران این تهاجم فرهنگی هستند. میدان دادن به ضد ارزشها و نویسندگانی که هر چه می خواهند علیه نظام می نویسند، باغینزت دینی سازگار نیست.» او با انتقاد از برخی افراد برای کم رنگ کردن نقش ولایت فقیه گفت: «در اصل ولایت جای تردید نیست حفظ نظام بر همگان واجب است و حفظ نظام با حسابت از ولایت فقیه میسر است و ولایت مطلقه با اطاعت مطلقه در قرآن کریم نیز آمده است. وی گفت تسامح خوره انقلاب است و مسامله بر اصول یعنی استحاله انقلاب.»

القای شبهات به جامعه

روزنامه رسالت طی مقاله ای، پیش از استیضاح وزیر ارشاد نوشت: «به نظر مارش

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

جبهه واحد ضد دیکتاتوری

«جبهه واحد ضد دیکتاتوری، شامل کلیه احزاب، سازمان ها، نیروها و شخصیت های مترقی و آزادی خواه کشور می گردد که در راه برچیدن بساط استبداد رژیم «ولایت فقیه» مبارزه می کنند، و هدفشان استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است.

جبهه واحد ضد دیکتاتوری، بمنزله ستاد مشترک توده ها در مبارزه بر ضد استبداد، با توجه به شرایط و روند تحولات، تاکتیک های مبارزه را بر اساس توافق مشترک نیروهای شرکت کننده در آن، تعیین می کند.

دوم: برنامه و اهداف جبهه:

جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای پایان دادن به استبداد، و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می کند؛ خواهان جدایی کامل دین از حکومت است، و تحقق برنامه های زیر را ضرور می داند:

الف: پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه»، همچون نهادی از برای اعمال اراده یک فرد برجسته که تبلور آشکار و صریح دیکتاتوری فردی است، و استقرار دموکراسی؛

از برنامه حزب توده ایران
مصوب چهارمین کنگره حزب - بهمن ۱۳۷۷

ضمیمه



ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۵۶، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۸

شکست استیضاح مجلس در زیر فشار خرد کننده افکار عمومی

ساله استیضاح مهاجرانی، نه یورش به شخص او بلکه تلاشی است برای سرکوب آزادی های بسیار محدود مطبوعاتی که توده های مردم توانسته اند در اثر مبارزه پیگیر خود به دست آورند. با چنین درکی از تلاش های جناح مدافع استبداد و اختناق قرون وسطایی، گروه های انبوهی از هنرمندان، نویسندگان، فرهنگیان، جوانان و دانشجویان و گروه های سیاسی و صنفی اعتراض شدید خود را به این حرکت اعلام کردند و آن را حمله مستقیم به آزادی های محدود موجود در جامعه ارزیابی کردند.

روزنامه خرداد، در مقاله ای در شماره دهم اردیبهشت ماه خود در ارزیابی اهداف این حرکت و نیروهای تاریک اندیش سازمان دهنده آن نوشت: «آیا سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه، انجمن محترم جمعه و رسانه هائی مثل صدا و سیما، و تمامی ابزار های تبلیغاتی و امنیتی و انتظامی دیگر و ده ها تربیبون و رسانه ها از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه گرفته تا عقیدتی سیاسی ها و ... نمی توانند در جهت اصلاح فرهنگی کار کنند و تنها در صورت فقدان چند نشریه، همه سایل و مشکلات فرهنگی کشور حل و رفع می شود... و بر فرض که موفق به بازداشت، محاکمه، استیضاح و سرکوب مخالفان شوید و روزنامه ها و صداهای غیر موافق خود را با تمهیدات درست و نادرست، شرعی و غیر شرعی از سر راه بردارید و نفس ها را در سینه حبس کنید، آیا به قلوب مردم راه خواهید یافت؟»

سرانجام روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۷۸، مجلس شورای اسلامی ساله استیضاح وزیر ارشاد را مورد بررسی قرار داد. مهاجرانی در سخنانی که در دفاع از عملکرد خود کرد، ضمن هشدار باش درباره عواقب سیاست هایی که هیچ گونه

با شکست سنگین جناح مدافع «ولایت مطلقه فقیه» در انتخابات شوراهای شهر و روستا در سراسر ایران و انزجار بیش از پیش اکثریت قاطع مردم از سیاست های اعمال شده از سوی نیروهای راپس گرا، به ویژه قتل های فجیع دگراندیشان و نویسندگان آزادی خواه، جناح «ذوب در ولایت»، هراسناک از عاقبت کار، به ویژه در پیش بودن انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، که برای حفظ اهرم های قدرت سیاسی در دست این جناح از اهمیت زیادی برخوردار است، کارزار وسیع اعمال فشار، خرابکاری و سرکوب را، به دستور دفتر «ولایت فقیه»، برای بستن دهان ها و برگرداندن اوضاع به پیش از دوم خرداد ۷۶ تشدید کرده است. روزنامه خرداد، در شماره سوم اردیبهشت ماه خود نوشت: «پرونده هایی که از بیست ماه پیش شاخه سنتی جناح راست برای به شکست کشاندن برنامه های دولت خاتمی گسترده برد، یکی پس از دیگری در جهت مطلوب این جناح بسته می شود.» و روزنامه رسالت، از قول سید علی خامنه ای نوشت: «بنده منتظر می مانم ببینم دستگاه های مسئول چه می کنند والا جلوگیری از این حرکات موذیانانه کار دشواری نیست... مگر می شود به کسانی که تقریباً همه این بیست ساله را در مقابل انقلاب، امام و مردم ایستاده اند اجازه داد که بیایند و میدان دار صحنه بشوند و گذشته این انقلاب را زیر سوال ببرند» (رسالت، سوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۷).

سرانجام طرح استیضاح وزیر ارشاد، از سوی ۳۱ نفر از نمایندگان وابسته به جناح «ولی فقیه» و انصارش، به جرم اتهام هایی از قبیل: «اشاعه فحشا، فاش کردن سایل محرمانه محاکم غیر علنی، احمیای کانون نویسندگان، اهدای جوایز به نویسندگان ضد انقلاب» و غیره در دستور کار مجلس قرار گرفت. از همان ابتدای کار روشن بود که

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

ادامه شکست استیضاح...

فکاهی آزادی را نمی تواند بپذیرد از جمله گفت: «سه روزنامه را عرض کنم با سه شی مختلف که هر سه مدیر مسئول آن منصوب مقام معظم رهبری و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند. آقایان نبوی، نوری و موسوی خوینتی ها ... پس پیدا است که ما یک نوع تکثیری را در نظام پذیرفته ایم» و سپس ادامه داد: «آیا در شرایطی که نظرات موسوی اردبیلی، صانعی، موسوی خوینتی ها، حجابیان را بر نمی تاییم کسی باقی خواهد ماند و این کشور را می توانیم اداره کنیم؟»

تلاش جناح راست مجلس برای برکناری مهاجرانی، سرانجام با ۱۲۱ رأی موافق در مقابل ۱۳۵ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع، از مجموع ۲۶۳ نماینده حاضر در مجلس با شکست روبه رو شد. اگر استیضاح مهاجرانی با عبدالله نوری را که سال قبل انجام شد مقایسه کنیم روشن می گردد که گروهی از نمایندگان «مستقل» مجلس که موقعت خود را در انتخابات آتی مجلس به شدت متزلزل می بینند، تصمیم گرفتند برای حفظ خود به مخالفت با جناح راست برخیزند. شکست مفتضحانه جناح «ذوب در ولایت» بی شک ضربه سنگینی به این جناح است که امیدوار بود با اتکا به سخنان حمایت گر خاتمه ای در روزهای پیش از استیضاح سیاست های فرهنگی کشور را در دست گرفته و آزادی های محدود ایجاد شده را کاملاً سرکوب کند. روزنامه سلام، در شماره سه شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه خود در تحلیل موضوع استیضاح مهاجرانی نوشت: «البته به غیر از دفاعیات محکم وزیر فرهنگ و ارشاد از سیاست ها و برنامه های فرهنگی دولت آقای خاتمی در جلسه استیضاح نباید از رأی مثبت نمایندگان جناح مستقل مجلس به نفع آقای مهاجرانی چشم پوشی کرد... با نزدیک شدن به انتخابات مجلس ششم بسیاری از مستقلین مجلس می دانند هر نماینده ای که در مقابل آقای خاتمی بایستد شانس حضور کمتری را در مجلس ششم خواهد داشت.»

با شکست استیضاح، باید منتظر تلاش های تازه «ولی فقیه» و انصارش برای تشنج آفرینی و یورش به مطبوعات بود. سخنان تهدید آمیز محمد بزدی، رئیس قوه قضائیه، در قزوین، پس از جریان استیضاح نشانگر ادامه این برنامه ها از سوی جناح راست است. روزنامه همشهری نیز در این زمینه نوشت: «در راهروهای مجلس شینده شده به برخی از روزنامه ها از جمله روزنامه صبح امروز اخطار شده است که اگر به تند روی ادامه دهد مانند روزنامه زن با آن برخورد خواهد شد.»

آنچه مسلم است آن است که با پیش بودن انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، تشنج و برخوردها بین جناح های درگیر حاکمیت و همچنین جنبش مردمی تشدید خواهد شد. مبارزه برای لنو نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات آینده، از جمله عرصه های مهم مبارزه برای عقب نشاندن رژیم «ولایت فقیه» است. پیروزی در این مبارزه همان طوری که جریان استیضاح مهاجرانی نشان داد در گرو فشار شدید توده ها از پایین است. از هم اکنون باید با برگزاری نشست ها، راه پیمایی ها و حرکت های اعتراضی توده ای خواهان لنو نظارت استصوابی شورای ارتجاعی و ضد مردمی نگهبان بر انتخابات مجلس شد. انتخابات شوراها نشان داد که در نبود عملکرد نظارت استصوابی مردم شرکت کننده در انتخابات با قاطعیت به نمایندگان مستقل و کسانی که توسط دستگاه های ارتجاع به ضدیت با ولایت فقیه متهم شده اند رأی می دهند. خارج کردن کنترل مجلس از دست نیروهای واپس گرا و تاریک اندیش گام مهم بعدی در مبارزه تی است که سرانجام پیروزمند آن طرد کامل رژیم «ولایت فقیه» است.

اختلاف در اینجاست که آقای مهاجرانی می خواهد قرائت خویش را از فرهنگ و آزادی مطبوعات به جمهوری اسلامی تحمیل کند. حال آنکه میزان آزادی مطبوعات و فرهنگ، قانون اساسی و سیره امام راحل است. به عنوان مثال نظراسام درباره دست اندرکاران روزنامه هاجنین است: اشخاص منحرفی که موجب این اموار انحرافی می شوند، دستشان از این رسانه های گروهی کوتاه شود. یا می فرمایند اگر کسی افکارش منحرف بوده و حالا بیاید ادعا بکند که من برگشته ام، ماباید قبول کنیم، اما او را نباید مجله نویس بکنیم. امام در جایی دیگری فرمایند: این روزنامه، این قلم، آرامش در این کشور (که الان لازم است) ایجاد می کند یا تشنج؟ اگر چنانچه تشنج ایجاد کرد، این روزنامه چماق است. نظراسام خمینی این بود که وزارت ارشاد، باید ارشاد بکنند مردم را، باید تبلیغ بکنند اسلام را، باید عمل بکنند به مسائلی که اسلام را ترویج می کند. رسالت ادامه می دهد: «حد اقل برای پاسخ گویی به انبوه شبهاتی که آقای مهاجرانی خود زمینه القای آن را به جامه فراهم آورده است، و هر روز علیه اسلام و جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و ارزش های اخلاقی... سم پاشی می کنند، چرا وزیر ارشاد هیچ اقدامی نکرده است؟»

محافظه کاران و انتخاب راه خشونت

روزنامه نشاط طی سرمقاله ای در مورد استیضاح وزیر ارشاد آورده است: «در این تقاضای استیضاح معنایی نهفته است که درنگهای عمیق تر، از موارد فوق الذکر، بنیادی تر و لذا مخاطره آمیزتر است. شایعات مبنی بر کنار آمدن کارگزاران یا محافظه کاران برای بعضی از این نظرنگران کننده تر بود، که در صورت موفقیت آن چه بسا کارگزاران از بدنه اختلاف جدا شوند و در جهت تطبیق با محیط برای تنازع بقا به سکوی پرش خود پشت کنند و بیاویستن کامل به محافظه کاران باعث تقویت آن و تضعیف اصلاح طلبان شوند. به همین دلیل هم، بسیاری از عناصر غیر کارگزار جبهه اصلاح آرزوی کردند این معامله به تحقق نپیوندد، تا آن خطر مرتفع شود. اما کسانی که چنین آرزویی را در سر می پروراندند از این نکته غافل بودند که معامله محافظه کاران با کارگزاران، حتی اگر در کوتاه مدت به ضرر پروژه اصلاح باشد، در درازمدت به نفع آن است، چرا که اولاً اهل معامله بودن محافظه کاران را اثبات می کند و این خود امر عظیمی است، چون هر کس در دنیای سیاست اهل معامله شد، اهل مذاکره هم می شود. و کسی که اهل معامله نیست یعنی اهل گفت و گونیست، یعنی اهل بازی قاعده مند سیاست نیست و این یعنی ناکامی هر گونه اصلاح و توسعه. اما اوضاع در حال حاضر نشان می دهد که محافظه کاران تحلیل نیروهای افراطی و خشونت طلب را پذیرفته اند و حاضرند در مسیری که آنان در پیش پایشان نهاده اند حرکت کنند و متحد باقی بمانند، نشان می دهد که آنان به جز قلع و قمع راه دیگری برای باقی ماندن سراغ ندارند و حاضر به هیچ نوع مصالحه و تقاضای نیستند و حاضرند به پشتوانه قدرت سیاسی - امنیتی به مقابله با اصلاح، نهادهای مدنی و ریشتهای اجتماعی آن یعنی افکار عمومی بروند و اینها همه علامت نامطلوب است. چون نشان از دوری از معامله، محاسبه و مصلحت ورزی آوردن به نوعی حرکت مخاطره آمیز با مرگ بایرورزی است...»

«دشمن» و ابزار فرهنگی

روزنامه رسالت طی سرمقاله خود با عنوان «نامه ای برای وزیر» نوشت: «مگر مقام معظم رهبری صریحاً نسبت به مطبوعاتی که از آزادی سوء استفاده و ایمان مردم را هدف قرار می دهند، هشدار ندادند و نظر نمودند: بنده منتظرمی مانم ببینم دستگاههای مسئول چه می کنند و الا جلوگیری از این حرکات موزیانه کار دشواری نیست.» از جنبایالی می پرسیم شما در مقابل انتظار وقوع رهبرانقلاب چه کردید؟ آقای وزیر هیچ می دانید در دوران وزارت شما چه کسانی میدان دار شده اند؟ شما که از سیاستهای ارشاد سخن می رانید بفرمایید این سخن مقام معظم رهبری که «مگر می شود به کسانی که تقریباً همه این بیست ساله را در مقابل انقلاب، امام و مردم ایستادند اجازه داد که بیایند و میداندار صحنه بشوند و گذشته این انقلاب و ازیر سوال ببرند.» در کجای سیاست های ارشاد و عملکرد شما جایی می گیرد؟ نمی دانم تا امید کردن مردم، زیر سوال بردن اصل مشروعیت نظام اسلامی، هدف گرفتن ایمان مردم و... از نظر شما چه حکمی دارد؟ اسایدانید و بدانیم از دید رهبری انقلاب توطئه در جهت براندازی است. وقتی فردی در نشریه ای ولایت فقیه را خارج از دین معرفی می کند آیا این سست کردن ایمان مردم و نفی قانون اساسی مورد قبول مردم نیست؟ مقام معظم رهبری با رها در جلست است که شما حضور داشته اید تاکید کرده اند که «باید باور کنیم دشمن ابزار فرهنگی را برای به زانو در آوردن انقلاب اسلامی به کار گرفته است.»

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO:556

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

4 May 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک